



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۰۱

شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳، ۲ نوامبر ۲۰۲۴

ارزیابی حمله اسرائیل و چشم‌انداز تحولات آتی

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

چرا جمهوری اسلامی ضد مهاجرین افغانستانی است؟

سیامک بهاری

صفحه ۳

در باره بیانیه دفتر سیاسی حزب در مورد آموزش و پرورش

مصاحبه با اصغر کریمی

صفحه ۴

بیانیه در مورد آموزش و پرورش در ایران

صفحه ۶

کار مزدی و سرمایه (بخش دوم)

نوشته کارل مارکس

ترجمه از کاظم نیکخواه

صفحه ۸

اعدام جمشید شارمهد را شدیداً محکوم می‌کنیم!

صفحه ۱۱

کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در آلمان بسته شد!

سفارت جمهوری اسلامی نیز باید بسته شود!

صفحه ۱۲

بعد از حمله اسرائیل

سؤال از کاظم نیکخواه

صفحه ۱۳

اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۱۴

ارزیابی حمله اسرائیل و چشم انداز تحولات آتی

مصاحبه با حمید تقوایی



انترناسیونال: پس از چند هفته بالاخره شاهد واکنش اسرائیل به حملات پیشین جمهوری اسلامی بودیم. تصاویر مختلفی از ابعاد این حمله به دست داده می‌شود. شما چه ارزیابی‌ای از ابعاد سیاسی و نظامی این حمله دارید؟

حمید تقوایی: حمله اسرائیل آن ابعادی را نداشت که ابتدا مقامات آن کشور ادعا می‌کردند. دولت اسرائیل حمله‌اش را به مراکز نظامی محدود کرد و کلاً این حمله به نحوی طرح‌ریزی شده بود که در عین ضربه‌زدن به توانایی‌های نظامی و موشکی رژیم، از لحاظ سیاسی - تبلیغی جمهوری اسلامی بتواند با سبلی صورتش را سرخ نگاه دارد. یعنی درست نقطه مقابل حملات موشکی رژیم که صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد و از نظر نظامی بی‌ارزش است. برخی معتقدند اعمال فشار دولت بایدن باعث این امر شد ولی به نظر من خود دولت نتانیاهو نیز نمی‌خواست دست به حمله‌ای بزند که به جنگ همه‌جانبه‌ای منجر بشود و نهایتاً موجودیت رژیم را به خطر بیندازد. کلاً هم آمریکا و دول غربی و هم دولت اسرائیل به دنبال به زیر کشیدن جمهوری اسلامی نیستند بلکه صرفاً می‌خواهند دامنه نفوذ و فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش در منطقه را محدود کنند. اعمال فشار و عملیات جنگی اسرائیل علیه رژیم و نیروهای به اصطلاح محور مقاومت نیز این هدف را دنبال می‌کند.

نباید فراموش کرد که تا آن‌جا که به مسئله فلسطین مربوط می‌شود دولت اسرائیل به نیروهای اسلامی در منطقه نیازمند است تا بتواند سیاست‌های ضدانسانی و فاشیستی خود علیه مردم فلسطین را مبارزه با تروریسم و دفاع از دموکراسی جا بزند و مبارزه بر حق مردم فلسطین برای برخورداری از سرزمین و تعیین سرنوشت خود را تبدیل کند به جنگ قومی - مذهبی بین دولت یهودی اسرائیل و نیروهای اسلامی که می‌خواهند آن را نابود کنند. این دو از یکدیگر تغذیه می‌کنند و به یکدیگر نیرو می‌دهند. از این‌رو مستقل از سیاست‌های آمریکا و سایر دول غربی دولت اسرائیل نیز منافع خود را در بقای نیروهای اسلامی خواهان نابودی اسرائیل و ادامه جنگ و مقابله نظامی با آن‌ها می‌بیند. به عبارت دیگر نابودی کامل نیروهای اسلامی در منطقه توجیه و بهانه و زمینه‌ساز ضد فلسطینی دولت اسرائیل را نیز از بین خواهد برد و طرح دو دولت را - که نتانیاهو و راست افراطی اسرائیل به همان اندازه نیروهای "محور مقاومت" با آن مخالف است - دوباره روی میز خواهد گذاشت.

انترناسیونال: دولت اسرائیل همچنان تهدید به حمله مجدد می‌کند و بخشی از حاکمیت در ایران نیز هوادار جواب نظامی مجدد به اسرائیل است. با این اوصاف آینده این دور از تنش‌ها میان دو دولت به کدام سو می‌رود؟

حمید تقوایی: به نظر من با حمله حماس به اسرائیل در ۱۷ اکتبر سال گذشته و تحولاتی که به حمله موشکی اول جمهوری اسلامی به اسرائیل در فروردین ماه منجر گشت دور کاملاً تازه‌ای در مناسبات بین این دو کشور آغاز شد. تا آن زمان اسرائیلی‌ستیزی جمهوری اسلامی اساساً خصلتی تبلیغی - گفتمانی و رتوریک سیاسی داشت و پشتوانه این تبلیغات نیز نیروهای نیابتی رژیم در منطقه بودند. خامنه‌ای و دیگر مقامات رژیم از این نیروها به‌عنوان سپر دفاعی در برابر اسرائیل سخن می‌گفتند. تحولات یک سال گذشته نه تنها این سپر دفاعی را تا حد زیادی خنثی و بی‌اثر کرد بلکه با حمله دولت نتانیاهو به سفارت رژیم در دمشق و به دنبال آن کشتن اسماعیل هنیه در تهران عملاً جمهوری اسلامی رودرروی دولت نتانیاهو قرار گرفت و خود را ناگزیر دید برای حفظ آبرو و اعتبارش در میان نیروهای نیابتی هم که شده دست به

اقدامی بزند. این اقدام دو نوبت موشک‌پرانی بود که گرچه از نظر نظامی ارزشی نداشت اما حکومت تلاش کرد با هب‌های تبلیغاتی و رجزخوانی‌های توخالی آن را در ستون دستاوردها و پیروزی‌های محور مقاومت بنویسد. اما در عین حال خود حکومتی‌ها هم مواظب هستند که حتی در تبلیغاتشان زیاده‌روی نکنند چون می‌دانند قوانین بازی کاملاً تغییر کرده و ممکن است بهای سنگینی بابت رتوریک ضد اسرائیلی خود بپردازند. به نظر من ادامه این موشک و راکت‌پرانی‌های پینگ‌پنگی هر چه باشد موقعیت جمهوری اسلامی مدام ضعیف‌تر و ضعیف‌تر خواهد شد. خود حکومت هم می‌داند از نظر نظامی بسیار ضعیف‌تر از اسرائیل است و در جنگ مستقیم بازنده خواهد بود. در عین حال نمی‌تواند از تبلیغات ضدآمریکایی ضداستراتژی‌اش دست بکشد چون این امر برای جمهوری اسلامی امری هویتی و استراتژیک است. نه تنها موقعیت منطقه‌ای رژیم بلکه موقعیتش در خود ایران و در جنگ با مردم تماماً به مواضع و تبلیغات غرب‌ستیزانه گره خورده است. می‌توان گفت ایجاد تنش و جنگ افروزی هم‌زاد این حکومت و جزئی از هویت ایدئولوژیک سیاسی اوست.

از سوی دیگر دولت نتانیاهو نیز به این فضا و تنش جنگی نیاز دارد چون اولاً از لحاظ استراتژیک می‌خواهد سیاست پاک‌سازی کامل قومی فلسطینیان را به پیش برد و طرح دو دولت را موکول به محال کند و ثانیاً از نظر تاکتیکی دولت خود را سر پا نگاه دارد. برای دولت نتانیاهو پایان جنگ جاری در غزه و لبنان و کلاً تنش و فضای جنگی مترادف با پایان عمر سیاسی‌اش و حتی احتمالاً محاکمه شخص نتانیاهو خواهد بود و از این نقطه‌نظر هم او به ادامه این وضعیت جنگی نیازمند است.

این شرایط به معنی ادامه و گسترش تنش و فضای جنگی در منطقه است. ممکن است ما شاهد ایزودهای دیگری از موشک‌پرانی‌ها و راکت‌پرانی‌های متقابل باشیم. ولی از این فراتر نخواهد رفت چون گذشته از همه چیز از لحاظ نظامی هر نوع گسترش این تخاصم و رای حملات هوایی نوبتی، مثلاً درگیری زمینی ارتش‌ها و یا حتی حملات هم‌زمان نیروهای هوایی - که در آن اسرائیل قدرتی ده‌ها برابر جمهوری اسلامی دارد - قابل تصور نیست. آن‌چه در ادبیات و گفتمان‌های مربوط به این مقابله خطر و یا احتمال "جنگ" نامیده می‌شود اساساً نمی‌تواند شکلی متفاوت‌تر از آن‌چه تا امروز شاهد بودیم به خود بگیرد. این امر نه امکان‌پذیر است و نه هیچ‌یک از طرفین درگیر در این تخاصم - جمهوری اسلامی و نیروهای منطقه‌ای‌اش، دولت اسرائیل، دولت آمریکا و دول اروپایی - خواهان آن هستند.

از دید مردم در ایران، در اسرائیل و در منطقه، مستقل از ادامه یا توقف موشک‌پرانی‌ها، نفس این تنش و فضای جنگی قومی - مذهبی باید هر چه زودتر خاتمه یابد و تحقق این امر کار خود مردم است. مشخصاً مردم اسرائیل علیه دولت نتانیاهو، مردم کشورهای اسلام‌زده علیه نیروهای تروریستی اسلامی، و به‌ویژه مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی. در این میان مردم ایران نقش ویژه و تعیین‌کننده‌ای دارند چرا که اولاً جنبش سرنگونی در ایران با پرچم زن زندگی آزادی کل نظام جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است و ثانیاً همانطور که امروز همه می‌دانند سر مار اسلام سیاسی در ایران است. جنبش سرنگونی طلبانه گسترده و زنده و پرتپشی که امروز در ایران در جریان است این توانایی را دارد که با کوبیدن سر این مار شرایط بسیار مساعدی برای جمع کردن بساط نیروهای اسلامی، و آن روی سکه یعنی راست افراطی اسرائیل، و نهایتاً حل انسانی مسئله فلسطین و پایان یافتن بحران مزمن خاورمیانه فراهم آورد.

۱۱ آبان ۱۴۰۳، ۱ نوامبر ۲۰۲۴

چرا جمهوری اسلامی ضد مهاجرین افغانستانی است؟



سیامک بهاری

بیکار کرده‌اند. مسبب کمبود و گرانی نان همین‌ها هستند. خودمان نان نداریم بخوریم نمی‌توانیم به این‌ها بدهیم! مهمان ناخوانده نمی‌خواهیم، بروند کشور خودشان را آباد کنند.

سارا فلاحی نماینده مجلس شورای اسلامی از شهر ایلام، عربده می‌کشد: "مهاجرین افغان بمب‌های ساعتی هستند!" اصلاً این‌ها مهاجر نیستند، مهاجم‌اند! بنابراین "اخراج افغانی مطالبه ملی است!" این گوشه‌ای از سرکوب بی‌وقفه آوارگان و مهاجرین افغانستانی در حکومت اسلامی ایران است.

چرا جمهوری اسلامی ضد مهاجرین افغانستانی است؟

"کجای دنیا یک انسان چهل سال در یک کشور به طور موقت زیسته است؟! کجای دنیا بعد از چهل سال سپری کردن عمر هنوز بی‌خانمانی، تبعه بیگانه‌ای، حق کار به‌جز مشاغل سخت را نداری، بیمه نداری، حق اعتراض نداری، حق اجازه خرید اتومبیل و موتورسیکلت نداری، لباس کهنه‌ات نو نشده، فرزندت به دلیل برخورد سلیقه‌ای از درس و آموزش محروم می‌شود. کارت بانکی، سیم‌کارت تلفن به دلیل موقتی بودن کارت اقامت هر شش ماه مسدود می‌شود و برای رفع مسدودیت باید شش ماه دوندگی کنی!"

دل‌نوشته بالا فقط گوشه‌ای کوچک و روزمره از حرمان بی‌پایان ناشی از رفتار نژادپرستانه و پایمال‌کردن ابتدایی‌ترین حق شهروندی پناهندگان و مهاجرین افغانستانی است که از بد حادثه به دام جمهوری اسلامی ایران افتاده‌اند.

جمهوری اسلامی تاریخاً در نفرت‌پرانی کثیف فاشیستی و بیگانه‌تراشی ضدبشری، منافع استراتژیک، درآمدت و چندوجهی دارد. از ثروت‌اندوزی و استثمار نیروی کار فوق‌ارزان، تا گوشت دم توپ در جبهه‌ها و قربانی کردن در پیشگاه امارت اسلامی طالبان راهی است که جمهوری اسلامی طی عمر پر نکبت خود علیه مهاجرین افغانستانی پیموده است.

جمهوری اسلامی غرق در بحران‌های بی‌پای، با جنگ‌افروزی و ماجراجویی و همدستی با تروریسم اسلامی در منطقه، غوطه‌ور در اقتصاد رانتی و ورشکسته. با تحمیل رکود تورمی، گرانی و بیکاری سرسام‌آور و به زیر خط فقر راندن اکثریت جامعه به ضرب سرکوب بی‌امان و بی‌رحمانه هر لحظه بیشتر تعادل خود را از دست می‌دهد.

در مقابله با حکومت، جامعه معترض بر سکوی جنبش اعتراضی زن زندگی آزادی ایستاده است، علیه جمهوری اسلامی و مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن متحد است. این جامعه مسبب سیروزی خود را می‌شناسند. روی پنجه ایستاده تا پاشنه جمهوری اسلامی را بکند. جمهوری اسلامی در این بن‌بست گیر افتاده است. بر بستر این وضعیت، حکومت تقلا می‌کند "اخراج افغانی مطالبه ملی" را روی دست بگیرد. تا بلکه صورت مسئله اعتراضات جامعه را عوض کند. مقصر بتراشد و تا آنجا که برایش ممکن است، فشار را از روی حکومت بردارد.

حکومت تلاش می‌کند با گسست و شکاف در همبستگی و حس انسانی، نوع‌دوستی، همدردی و هم‌ذات‌پنداری، یکدیگرپزیری و

کشتار پررحمانه آوارگان افغانستانی در مرزها، بار دیگر موضوع بی‌پناهی مهاجرین افغانستانی در ایران را مقابل چشم مضطرب جامعه گرفته است. توحش هنگ مرزی سراوان، در ارتکاب مکرر به جنایات هولناک، پنهان کردن آمران و عاملان این کشتار جمعی، تکذیب و جعل حقایق توسط جمهوری اسلامی در ادامه بیش از چهار دهه تبعیض و سرکوب و استثمار پررحمانه مهاجر و پناهنده افغانستانی همچنان بی‌پاسخ مانده است.

"جابر" یکی از شاهدان جان به در برده از کشتار جمعی سراوان، که به دنبال یافتن کار و لقمه‌ای نان برای خانواده‌اش راهی مرزهای ناامن‌تر از روستایش شد، حادثه اخیر را چنین بازگو می‌کند:

"ما در مرز کلگان سراوان در مرز ایران به کمین خوردیم، بیشتر از ۳۰ نفر بودیم، حدود ۲۷۰ تا ۲۸۰ نفر کشته شدند. شاید ۵۰ تا ۶۰ نفر زنده بیرون شده باشند و دیگران همه کشته شدند. ۱۰ تا ۱۲ نفر از دوستان من هم کشته شدند... تنها ۵۰ نفر نجات یافته‌اند."

این هجوم وحشیانه و انسانیت‌زدایی از آوارگان افغانستانی، تبعیض و تحقیر سازمان‌یافته و مهندسی شده، از کجا می‌آید؟ چرا جمهوری اسلامی این چنین پررحمانه به جان آوارگان و مهاجرین و پناهندگان افغانستانی در ایران افتاده است؟ یورش و دستگیری جمعی، اعزام به کمپ‌های جهنمی دیپورت از گردنه تنباکویی و عسکرآباد تا رد مرز کردن‌ها، هم‌زمان پروپاگاندای جمهوری اسلامی، ارتش سایبری و رسانه‌های حکومتی هم با جعل اخبار و فضاسازی و نفرت‌پرانی به خط شده‌اند. تداوم این روند خطرناک و ضدانسانی، این فاشیسم عریان حکومتی به کجا منتهی می‌شود؟

فاشیسم سازمان‌یافته حکومتی را باید رسوا کرد

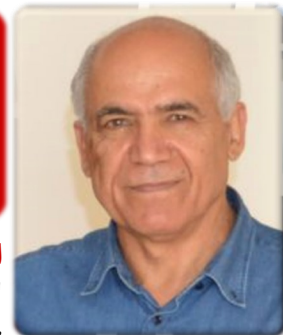
از وزارت کشور و استانداری و فرمانداری‌ها تا اداره اتباع خارجی، نیروی انتظامی و کل دستگاه سرکوب تا ارتش سایبری حکومت در ابعاد وسیع با اسم رمز "ساماندهی اتباع خارجی"، علیه آوارگان بی‌پناه افغانستانی بسیج شده‌اند. فرمان صادر می‌کنند، عربده می‌کشند، دستگیر و اخراج می‌کنند. با توطئه‌چینی در شبکه‌های اجتماعی مدام خبر و کامنت نژادپرستانه و مهاجرستیز منتشر می‌کنند، هشتک می‌سازند، آمارهای جعلی و غیرمستند خلق می‌کنند، مقصر و مجرم می‌تراشند، با عبارت مهاجر مجاز و غیرمجاز، صدها هزار نفر را طی همین چند ماه اخیر با تحقیر و توهین به‌اجبار رد مرز کرده‌اند.

در بوق‌وکرنا کرده‌اند که "افغانی‌ها" مفت و مجانی از زیرساخت‌های اقتصادی، از یارانه پنهان نان و سوخت، ترانسپورت و دارو و درمان کشور بهره می‌برند. این‌ها همگی یک‌مشت مصرف‌کننده‌اند. ارز کشور را خارج می‌کنند، ناقل انواع بیماری‌های مسری خطرناک‌اند، طرف‌دار طالبان‌اند، مسلح‌اند، خلاف‌کار و قاچاقچی‌اند، دزد و سارق و آدم‌ریا و مجرم‌اند. گله‌ای، چند میلیون افغانی ریخته‌اند توی ایران و همه‌جا را گرفته‌اند، به‌زودی جایی برای مردم ایران باقی نخواهد ماند، کارگر ایرانی را همین این‌ها



در باره بیانیه دفتر سیاسی حزب در مورد آموزش و پرورش

مصاحبه با اصغر کریمی



انترناسیونال: همان طور که در بیانیه حزب "بیانیه در مورد آموزش و پرورش در ایران" می خوانیم، مبحث آموزش و پرورش، بسیار گسترده و چندجانبه است. با توجه به این مسئله، از شما اصغر کریمی می خواهم که پیش از هر چیز در مورد ضرورت صدور چنین بیانیه ای در وضع موجود بگویید. مهم ترین جنبه های این سند از نظر شما کدامند؟

اصغر کریمی: نه تنها کسب علم و دانش اساساً در مدرسه و سپس دانشگاه عملی می شود بلکه به نظر من مهم تر از آن بسیاری از وجوه شخصیت کودکان و نوجوانان در دوران تحصیل شکل می گیرد. این یک دوره سرنوشت ساز برای کودکان و نوجوانان و به یک معنی برای کل جامعه است که از این مسیر عبور می کنند. دوره ای که می تواند سرشار از لذت بردن از زندگی، دوست یابی و وارد شدن در یک مناسبات اجتماعی تازه باشد و شخصیت کودکان و نوجوانان، اعتماد به نفس، روحیه پرسشگری، آزادمنشی، روحیه کار جمعی و تیمی و تجربه زندگی و مسئولیت پذیری را رشد بدهد و به تعالی شخصیت آنها کمک کند. این باید مبنای یک آموزش و پرورش علمی و انسانی و در عین حال غیرایدئولوژیک چه در حال حاضر و چه در یک جامعه انسانی و سوسیالیستی باشد. آموزش و پرورش تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ضد ارزش ها و دستاوردهای تاکنونی بشر در زمینه آموزش و پرورش و سیستمی در جهت تخریب شخصیت و مغز کودکان است.

در مقدمه این بیانیه قبل از هر چیز تصویری از یک آموزش و پرورش علمی، انسانی، شاد، خلاق، پیشرو و غیر کلاسی ارائه شده است. سپس به سیستم آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی اشاره شده و نهایتاً مطالبات این عرصه شامل دانش آموزان و معلمان لیست شده است. مطالباتی که سالهاست توسط معلمان و تشکلهای مردمی و خانوادهها کموبیش مطرح شده و حول آنها کارزارها و مبارزات زیادی صورت گرفته است. در این بیانیه تلاش شده که لیست نسبتاً مفصلی از مطالبات اساسی در این زمینه گنجانده شود و سطح توقع جامعه ارتقا یابد.

در برنامه یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری، رئوس مطالبات مربوط به آموزش و پرورش آمده است و وضعیت آموزش و پرورش یکی از تمهای تبلیغی و سیاسی دائمی ما در تمام طول فعالیت حزب بوده است. با این همه این بیانیه به صورت مشروح تری وضعیت آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی را توضیح داده و لیست نسبتاً بلندبالایی از مطالبات در بیانیه مطرح شده است. اما تا کنون کمتر به فلسفه یک آموزش و پرورش مدرن و انسانی پرداخته ایم. این بیانیه امیدوارم مقدمه ای باشد که به صورت تخصصی تر، عمیق تر و همه جانبه تر به این مسئله که یکی از مهم ترین مسائل هر جامعه ای و مشخصاً جامعه ایران است پرداخته شود. اینجاسعی می کنم خیلی مختصر مقایسه ای بکنم بین سیستم های آموزش و پرورش در کشورهای غربی و ایران. شاید این مقایسه مفید باشد.

در کشورهای غربی علی رغم وجود سرمایه داری، پیشرفت های قابل توجهی در این زمینه صورت گرفته است. این کشورها از نظر تجهیزات آموزشی، ساختمان مدارس و یا سرویس ایاب و ذهاب ویژه دانش آموزان در سطح نسبتاً خوبی هستند. مذهب از آموزش و پرورش تا درجه بسیار بالایی جدا است و آزادی بیان وجود دارد. هر چند در این کشورها نیز تفاوت های مهمی در سیستم آموزش و پرورش وجود دارد. در

کشورهایی مانند آلمان، سوئد، نروژ، فنلاند یا اتریش آموزش و پرورش و دانشگاه کاملاً رایگان است، در کشورهایمانند انگلیس، کانادا یا آمریکا فقط مدارس رایگان است و دانشگاهها شهریه دریافت می کنند. در برخی کشورها یک وعده غذای باکیفیت نیز به دانش آموزان در سطوح مختلف به صورت رایگان داده می شود. از نظر فلسفه آموزش و پرورش نیز تفاوت های قابل توجهی در این کشورها وجود دارد. در برخی کشورها مثل انگلیس سیستم رقابتی میان دانش آموزان رایج است یا در آلمان ترکیبی از رشد شخصیت و آماده کردن دانش آموزان برای وارد شدن به بازار کار حاکم است. در حالی که در فنلاند و نروژ رقابتی وجود ندارد و حتی تا در دوره ابتدایی تست هایی که از دانش آموزان گرفته می شود فقط برای کمک به معلمان در درک نیازهای یادگیری دانش آموزان است و تأکید بر یادگیری، کار تیمی و همکاری میان دانش آموزان است. از نظر صرف بودجه نیز تفاوتها زیاد است مثلاً در نروژ هزینه سرانه یک دانش آموز در سال حدود ۱۹ هزار دلار است و در کشورهای دیگر غربی نیز عمدتاً بالای ۱۰ هزار دلار است. در میان این کشورها تا جایی که من دنبال کرده ام فنلاند سیستم آموزش و پرورش بسیار مدرن و انسانی دارد، حقوق معلمان نسبت به بسیاری کشورهای دیگر بالاتر است و شرط قبولی معلمان این است که اولین رشته انتخابی شان باشد. یا کاملاً به این شغل علاقه مند باشند.

مذهب از آموزش و پرورش در اکثر کشورهای غربی جدا است و آزادی بیان کاملی وجود دارد و پرسشگری و دید انتقادی در میان دانش آموزان مورد تشویق قرار می گیرد. آموزش مسائل جنسی، متناسب با سنین مختلف به دانش آموزان داده می شود مثل تفاوت های بدنی بین پسر و دختر، اهمیت محترم شمردن بدن خود و دیگران، به رسمیت شناختن گرایشات و هویت های متفاوت جنسیتی، مباحثی مانند بلوغ، تولیدمثل، بهداشت جنسی و روابط عاطفی و جنسی، پیشگیری از بارداری ناخواسته، بیماری های مقاربتی، مفاهیم رضایت در روابط و حقوق فردی، اهمیت روابط سالم و احترام به مرزهای شخصی و اجتماعی.

این مثالها را مطرح کردم تا تفاوت عمیق آموزش و پرورش این کشورها با جمهوری اسلامی بهتر درک شود. آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی فاجعه ای است که تمام مختصات ارتجاع اسلامی حاکم و بیگانگی آن با جامعه ایران را در ابعاد و زوایای مختلف بیان می کند. نه تنها آموزش و پرورش رایگان نیست و هر سال صدها هزار دانش آموز به دلیل هزینه های تحصیل و یا فقر خانواده از چرخه تحصیل بیرون می افتند و وارد بازار بی رحم کار می شوند بلکه آنها که شانس رفتن به مدرسه دارند نیز تحت آموزش و پرورش مذهبی و ایدئولوژیک قرار می گیرند و معلمان مجبورند علی رغم میلشان خرافه و دگم های مذهبی و تاریخ های جعلی حکومتی را به کودکان آموزش دهند. یکی از بزرگ ترین جنایات جمهوری اسلامی به دانش آموزان جداسازی دختر و پسر است. ساختمان های مخروبه، فقدان فضای کافی برای تحرک دانش آموزان و امکانات ورزشی و فوق برنامه، فقدان تجهیزات آموزشی، فقر معلمان، شهریه و انواع اخذی از خانواده های دانش آموزان، بخش دیگری از آموزش و پرورش تحت حاکمیت این نظام است. دورانی که می تواند با بیشترین لذت و در فضایی علمی اما شاد همراه باشد سوگواری و فضای غم و گریه به کودکان و نوجوانان معصوم حقه می شود و هزار مصیبت دیگر که به سر دانش آموزان و همین طور معلمان می آید.

وضعیتی که فقط با سرنگونی این حکومت

ادامه در صفحه ۵

چرا جمهوری اسلامی ضد مهاجرین افغانستانی است؟

از صفحه ۳

در باره بیانیه دفتر سیاسی حزب در مورد آموزش و پرورش

از صفحه ۴

می‌تواند تغییر کند.

تا جایی که به کشورهای غربی مربوط می‌شود نیز باید تأکید کرد که سرمایه‌داری که اساسش بر کسب سود و رقابت استوار است و روینای فکری و فرهنگی‌اش نیز قرار است به این هدف اقتصادی طبقه حاکم خدمت کند، تا چه حد مانع اعتلای آموزش و پرورش و کودکان و نوجوانان است. می‌توان تصور کرد که در یک جامعه سوسیالیستی که هدف نه تأمین سود بلکه رفاه، آزادی و ارتقای ارزش‌های انسانی در جامعه است آموزش و پرورش نیز چه ظرفیت‌های غیر قابل‌تصور دارد و تا چه اندازه می‌تواند از بهترین کشورهای موجود فراتر رود و چه شکوفایی عظیمی در این زمینه صورت گیرد.

انترناسیونال: تا جایی که به شرایط فعلی و جنبش انقلابی مردم در تقابل با جمهوری اسلامی برمی‌گردد، مهم‌ترین مطالباتی که در این مورد مردم معترض باید در دستور قرار دهند چه نکاتی هستند؟

اصغر کریمی: خواست‌ها بسیار زیاد است و می‌توان به خود بیانیه مراجعه کرد ولی به طور فشرده این خواست‌ها شامل: آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح تحصیلی از جمله دانشگاه، ممنوعیت هر نوع شهریه، کتب رایگان، ایاب‌وذهاب رایگان و یک وعده غذای گرم رایگان، جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش، جایگزینی کتب درسی کنونی با کتب با محتوای علمی مطابق پیشرفته‌ترین استانداردهای جهانی، لغو جداسازی جنسیتی، تأمین امکانات آموزشی کافی از ساختمان‌های مجهز با فضای کافی تا تجهیزات آموزشی، آموزش مسائل جنسی، آموزش به زبان مادری، آزادی بی‌قیدوشرط بیان برای معلم و دانش‌آموز، ممنوعیت اکید تنبیه بدنی و هر نوع اذیت و آزار روحی و فیزیکی دانش‌آموزان، تشویق دانش‌آموزانی که در سطوح مختلف مدارس مجبور به ترک تحصیل شده‌اند به ادامه تحصیل، تأمین زندگی معلمان و بالابردن سطح کیفی دانشگاه‌های تربیت‌معلم و دبیر و دوره‌های متناوب آموزشی برای معلمان، اداره شورایی مدارس، اینها اهم خواست‌هایی است که باید به پرچم مبارزات معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها تبدیل شود.

انترناسیونال: با تشکر از اصغر کریمی. در ادامه، متن بیانیه دفتر سیاسی حزب را در این شماره بازنشر می‌کنیم تا ضمن تأکید مجدد بر آن، خوانندگان امکان رجوع به آن را در کنار مباحث فوق داشته باشند.*

**کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری
بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و
فرهنگی جامعه بورژوازی و خرج خیل عظیم
کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را
حفظ و حراست می‌کنند، از همین منبع (یعنی با
کار کارگر) تأمین می‌شود. طبقه کارگر با کار
خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روزافزون
سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری
بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را می‌پردازد.
(از بر نامه یک دنیای بهتر)**

برابری خواهی، اتحاد جامعه را که فرای مرزها و خط‌کشی‌های قومی، ملی و نژادی و مذهبی جمهوری اسلامی است، هدف قرار دهد. تفرقه و دودستگی ایجاد کند و مردم را به جان هم بیندازد. ناسیونالیسم عظمت‌طلب و نژادپرست ایرانی که با مهاجرت‌ستیزی و سیاست‌های فاشیستی، ضدانسانی و تفرقه‌افکنانه جمهوری اسلامی هم‌خط و هم‌جهت است را جلو بیندازد و با مسموم کردن افکار جامعه به تبلیغات فریبنده ناسیونالیستی، اعتراض جامعه علیه خود را منحرف کند.

گذشته از این، جمهوری اسلامی یکی از حامیان مهم طالبان در منطقه است. میلیون‌ها انسان پا در گریز را برحمانه به فریادگاه پس می‌فرستد. آوارگان بی‌پناه در بن‌بست طالبان کابل و تهران گیر افتاده‌اند! مقام‌های طالبان خود اذعان می‌کنند که طی چند ماه گذشته فقط از پایانه مرزی اسلام‌قلعه بیش از نیم‌میلیون نفر اعم از مجاز و غیرمجاز، به‌صورت "اجباری" از ایران اخراج شده‌اند!

حق شهروندی حق مسلم پناهندگان افغانستانی است

بنا به آمارهای رسمی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل، حدود ۴ میلیون شهروند افغانستان در ایران زندگی می‌کنند. بیشتر این افراد پس از بازگرداندن طالبان به قدرت، در سال ۲۰۲۱ گریخته‌اند. طبق تصمیم اعلام شده از وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، اسکان مهاجرین حتی مجاز و سرشماری شده با برگه آمایش، برگه سبز و با مجوز کار، در ۱۶ استان به کلی ممنوع و در ۱۲ استان در شهرهای معینی و در مجموع در ۳۷ شهر اکیداً ممنوع است.

جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرده است که دو میلیون نفر را تا پایان سال جاری خورشیدی اخراج خواهد کرد. طبق برآوردهای رسمی روزانه بین ۲ تا ۳ هزار نفر از پایانه‌های مرزی اخراج و تحویل نیروهای مرزی طالبان می‌شوند.

صورت‌مسئله مهاجرت‌ستیزی جمهوری اسلامی کاملاً روشن است. این رفتار ضدبشری محکوم است و باید با آن مقابله کرد و جمهوری اسلامی را به عقب راند.

اعلام پشتیبانی و همبستگی علنی، مقابله مستقیم با سیاست ضد پناهندگی و خنثی کردن توطئه‌های جمهوری اسلامی، دفاع از حق شهروندی پناهندگان افغانستانی، بخشی از مبارزه بی‌وقفه جامعه علیه جمهوری اسلامی است.

مردم ایران و افغانستان دشمن مشترکی دارند. طالبان در کابل و تهران دوروی یک سکه‌اند. در این مبارزه باید دوشادوش هم با دشمن مشترک مبارزه کرد.

علی‌رغم فضای امنیتی و سرکوبگرانه، ده‌ها سازمان مردم‌نهاد، طی سالیان متمادی در دفاع از مهاجرین افغانستانی، یاری‌رساندن به کودکان کار و خیابان با پیشینه افغانستانی تلاش کرده‌اند. در خیزش انقلابی زن زندگی آزادی ده‌ها شهروند افغانستان دستگیر، زندانی و شکنجه و رد مرز شدند.

احزاب و سازمان‌های آزادی‌خواه اپوزیسیون، تشکل‌های کارگری، تشکل‌های معلمان، وکلاء، هنرمندان، نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در دفاع از حق شهروندی مهاجرین افغانستانی در ایران دارند.

رفتار ضدانسانی جمهوری اسلامی باید توسط نهادهای بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل شدیداً محکوم شود. مهاجرین افغانستانی در ایران باید سریعاً تحت پوشش کمیساری عالی پناهندگی قرار بگیرند. مانع دستگیری و دیپورت آنها متوقف شود و به‌صورت اضطراری تحت حمایت قرار بگیرند.*

بیانیه در مورد آموزش و پرورش در ایران

تراژدی، رشد مدارس خصوصی با شهریه‌های سنگین، اختصاص بودجه بسیار ناچیز برای آموزش و پرورش و کیفیت پایین آموزش در مدارس دولتی و عوارضی مانند مافیای گنکور و انواع فسادهای دیگر است. در کنار تجارت آموزش، مدارس دولتی مدارسی نالین، بدون تجهیزات آموزشی و با فضای آموزشی بسیار محدود در مقایسه با استانداردهای جهانی هستند. کاهش بسیار اسفناک قبولی دانش‌آموزان اکثر مدارس دولتی نسبت به مدارس خصوصی و سمپاد که به‌ویژه در دهه اخیر شیب تندی به خود گرفته است، نتیجه مستقیم این سیاست و شکاف عمیق طبقاتی است و به نوبه خود این شکاف را تشدید کرده است. روندی که هر ساله وضعیتی وخیم‌تر به خود می‌گیرد.

سرکوب و مبارزه

جمهوری اسلامی اعتراض دانش‌آموزان و معلمان به این شرایط را با وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها پاسخ داده است. بسیاری از دانش‌آموزان را به قتل رسانده، مسموم کرده، و یا زندانی و شکنجه کرده است و بسیاری از معلمان را اخراج، زندانی، یا اعدام کرده است. این جنایت عظیمی است که از بدو حاکمیت جمهوری اسلامی شروع شده، در یکی دو دهه اخیر عمیقاً تشدید شده و شرایط اسف‌باری را بر جامعه حاکم کرده است.

علی‌رغم همه این تلاش‌های جمهوری اسلامی، علی‌رغم همه بی‌حقوقی‌ها و سرکوب‌ها، دستگیری‌ها و شکنجه‌ها، معلمان و دانش‌آموزان در مقابل این سیستم ایستاده‌اند، مذهب در مدارس سکه یک پول شده و کل این سیستم آموزشی رسوا و بی‌آبرو شده است. معلمان خواهان آموزش علمی، غیرایدئولوژیک و غیر کالایی هستند و دانش‌آموزان در سطوح مختلف آخوندها و واعظان در مدارس را دست می‌اندازند و هر روز بیش‌ازپیش علیه مذهب و مقدسات مذهبی می‌شورند.

حزب کمونیست کارگری چه می‌گوید؟

جامعه ایران با توجه به منابع انسانی و مالی این امکان را دارد که یک سیستم آموزش و پرورش انسانی، رایگان با استاندارد بالا، مدرن و خلاق و شاد و با امکانات کافی برای کلیه دانش‌آموزان و کودکانی که به سن تحصیل رسیده‌اند ایجاد کند و منابع و امکانات آموزشی باکیفیت باید به طور یکسان در اختیار کلیه دانش‌آموزان در سراسر کشور قرار داشته باشد. مطالبات زیر را به پرچم مبارزه علیه حکومت اسلامی تبدیل کنیم و از یک آموزش انسانی و مدرن و علمی که متضمن رشد و شکوفایی کودکانمان باشد قاطعانه دفاع کنیم:



۱- آموزش و پرورش رایگان

- آموزش عمومی و رایگان اجباری تا پایان دوره دبیرستان و برچیدن سیستم آموزشی کالایی. دانش‌آموزان در کلیه شهرها و روستاها باید به یک سیستم آموزشی باکیفیت دسترسی داشته باشند. دسترسی برابر به فرصت‌های یادگیری، حق همه دانش‌آموزان است.

- رایگان شدن کتاب‌های درسی و لوازم‌التحریر برای کلیه دانش‌آموزان در همه سطوح

- کلیه مدارس باید از تجهیزات کافی آموزشی مانند امکانات آزمایشگاهی، دیجیتال و غیره برخوردار باشند.

- ایجاد سلف‌سرویس در همه مدارس و یک وعده‌غذای گرم، باکیفیت و رایگان برای دانش‌آموزان در همه دوره‌های تحصیلی

وجود یک سیستم آموزش و پرورش علمی، انسانی، پیشرو و غیر کالایی یک شرط مهم هر جامعه آزاد و انسانی است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی آموزش از پایه اصلی خود که علم و جستجوگری و نقد و زیرسؤال‌بردن، رشد شخصیت و اعتماد به نفس و ارتقای فکری کودکان است، جدا شده است. تلاش سیستم حاکم این است که کودکان را به موجوداتی اسلام‌زده و خرافی و عقب‌مانده و مطیع و آماده شهادت بار بیاورد. این سیستم ضد ارزش‌ها و دستاوردهای تاکنونی بشر برای یک آموزش و پرورش خلاق و علمی است، سیستم تخریب شخصیت و مغز کودکان است و جنایتی آشکار در حق کودکان و کل جامعه به شمار می‌رود. این فاجعه‌ای است که تمام مختصات ارتجاع اسلامی حاکم و بیگانگی آن با جامعه ایران را در ابعاد و زوایای مختلف بیان می‌کند و تنها با سرنگونی این حکومت می‌توان این وضعیت را از ریشه دگرگون کرد.

آموزش و پرورش اسلامی دشمن کودکان است!

مبنای یک سیستم تحصیلی انسانی، آموزش آخرین دستاوردهای علمی در همه رشته‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری صرف‌نظر از وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده، احترام، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری، رشد ابتکار و خلاقیت، تقویت روحیه انتقادی و پرسشگری، استقلال فکری، رشد شخصیت، رشد آزادمنشی و ایده‌های برابری طلبانه و ضد تبعیض، و رشد روحیه فعالیت جمعی و مسئولیت‌پذیری در جامعه است.

نظام آموزشی در جمهوری اسلامی درست در نقطه مقابل همه اینها و یک فاجعه تمام‌عیار است. سیستم آموزشی جمهوری اسلامی خودباوری و اعتماد به نفس را در کودکان می‌کشد، با تحمیل دروس و ایدئولوژی و خرافات مذهبی، و تبلیغ سیاست‌های تروریستی در منطقه کودکان را مغزشویی می‌کند، روحیه انتقادی و پرسشگری را از آنها می‌گیرد و فکر و شهامت آنها را منکوب می‌کند. تفکیک مدارس بر اساس جنسیت و حاکمیت آپارتاید جنسیتی در مدارس دانش‌آموزان را از احساسات

انسانی زیبای دوران کودکی محروم می‌کند. به دختران دانش‌آموز حجاب اجباری تحمیل می‌کند و حداقل امکانات ورزشی و تفریحی را نیز از آنها سلب می‌کند. هویت جنسی و آموزش مسائل جنسی را به تابو تبدیل می‌کند و با کتب درسی اسلامی و مبتنی بر آپارتاید جنسیتی تبعیض و دگم و خرافه را به کودکان آموزش می‌دهد و کودکان را به مراسم مذهبی و اردوهای دینی - سیاسی می‌کشاند و حتی آنها را برای اهداف سرکوب‌گرانه مورد استفاده قرار می‌دهد. این سیستم فضای شاد و موسیقی و رقص را از دانش‌آموزان دریغ می‌کند و سوگواری و فضای غم و گریه را تحمیل می‌کند. به همه اینها موارد زیادی از تحقیر و حتی تنبیه بدنی دانش‌آموزان را نیز باید اضافه کرد. این وضعیت در مورد دانش‌آموزانی که همچون افراد دارای معلولیت به کمک‌های ویژه نیاز دارند و در مورد مناطقی مانند سیستان و بلوچستان، کردستان و لرستان از این هم به‌مراتب تکان‌دهنده‌تر است. این وضعیت باید به طور ریشه‌ای و بنیادی دگرگون شود.

کالایی شدن آموزش و طبقاتی شدن تحصیل

کالایی شدن و پولی سازی آموزش و سلطه باندهای مافیائی و فاسد حکومتی بر سیستم تحصیلی یکی دیگر از معضلات جدی اکثریت جامعه ایران است که باعث شده که میلیون‌ها کودک از چرخه تحصیل بیرون بیفتند. تأمین هزینه‌های سنگین تحصیل برای مردمی که اکثراً به فقر مطلق رانده شده‌اند به یکی از معضلات اساسی بدل شده است. وجه دیگر این

بیانیه در مورد آموزش و پرورش در ایران

از صفحه ۶

- اختصاص سرویس رایگان ایابوذهاب ویژه مدارس و در دسترس برای کلیه دانش آموزان

- ریشه کن کردن بی سوادی و رشد دائمی سطح سواد و اطلاعات علمی و فنی اهالی کشور. آموزش حق همه مردم است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

- تشویق دانش آموزانی که در سطوح مختلف مدارس مجبور به ترک تحصیل شده اند به ادامه تحصیل و ایجاد امکانات لازم برای ادامه تحصیل آنها همراه با تأمین زندگی آنها در دوره تحصیلی. در این راستا برنامه ریزی ویژه برای بازگشت به تحصیل کودکان کار و خیابان.

- آموزش به زبان مادری حق همه دانش آموزان است. ایجاد امکانات آموزش به بان مادری برای همه دانش آموزان در سراسر کشور.

۲- دست مذهب از آموزش و پرورش کوتاه

- جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و مؤسسات آموزشی کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیرمذهبی هستند، و تمامی بروازات سیاست های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی مانند حجاب اجباری، ترویج فرهنگ شهادت، تبلیغ تروریسم و مشابه اینها باید در مدارس ممنوع و از کتاب های درسی حذف شوند. باید به حضور آخوندها و مبلغان اسلامی در مدارس و سپردن مدارس به مؤسسات مذهبی و مساجد پایان داده شود.

- ممنوعیت تفکیک جنسیتی در کلیه مدارس و در تمام سطوح تحصیلی. جدایی دانش آموزان بر اساس جنسیت بی رحمی و ظلم عظیمی در حق دانش آموزان است.

- جایگزینی کتب درسی جدید با محتوای علمی مطابق پیشرفته ترین استانداردهای جهان به جای کتاب درسی اسلامی و عقب مانده کنونی. حذف هر نوع تعصبات قومی، ملی، نژادی، مذهبی و شوونیستی از کتب درسی. تدریس علوم انسانی و اجتماعی که در جمهوری اسلامی حذف و یا تماماً اسلامیزه شده است بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی.

- آموزش مسائل جنسی باید جزو دروس اجباری در مدارس قرار بگیرد و متناسب با سنین مختلف آموزش های لازم به دانش آموزان داده شود. از جمله تفاوت های بدنی بین پسر و دختر، اهمیت محترم شمردن بدن خود و دیگران، به رسمیت شناختن گرایش ها و هویت های متفاوت جنسیتی، مباحثی مانند بلوغ، تولید مثل، بهداشت جنسی و روابط عاطفی و جنسی، پیشگیری از بارداری ناخواسته، بیماری های مقاربتی، مفاهیم رضایت در روابط و حقوق فردی، اهمیت روابط سالم و احترام به مرزهای شخصی و اجتماعی.

۳- تأمین امکانات آموزشی کافی

- نوسازی و تجهیز مدارس و ساخت مدارس جدید با استانداردهای بالای ساختمانی به تعداد کافی در سراسر کشور به ویژه در مناطق روستایی و محروم که در حال حاضر دانش آموزان این مناطق حتی در کانکس و کپر و مشابه اینها تحصیل می کنند. تعطیل فوری مدارس مخروبه و ناامن. کلیه مدارس باید از ایمنی کامل برخوردار بوده و به سیستم گرمایی و سرمایی ایمن مجهز باشند.

- تعداد دانش آموزان هر کلاس نباید از ۲۰ نفر تجاوز کند.

- ایجاد فضای مدرن، شاد و خلاق و تخصیص امکانات کافی و فضای لازم برای فعالیت های ورزشی، تفریحی، علمی و آموزشی در مدارس و همچنین فعالیت های فوق برنامه و تورهای تفریحی، علمی، آموزشی و ورزشی.

۴- معلمان

- کمبود صدها هزار معلم، حقوق ناچیز معلمان و ناامنی شغلی بسیاری

از آنان، سرکوب هر نوع آزادی بیان و تشکل برای معلمان و دانش آموزان و کنترل سیستماتیک آنان و بی سوادی بیش از ۱۰ میلیون نفر در کشور، گوشه های از واقعیت تکان دهنده و دردناک آموزش و پرورش تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است.

- تأمین حقوق و امکانات رفاهی و مرخصی. کافی برای همه معلمان. معلمان باید بتوانند با فراغت و آمادگی جسمی و روحی به امر آموزش و پرورش کودکان بپردازند

- اختصاص معلمان آموزش دیده ویژه دانش آموزانی که به دلایل جسمی یا ذهنی نیازهای ویژه ای دارند و فراهم کردن امکانات مختلف آموزشی برای این دانش آموزان.

- بالابردن سطح کیفی دانشگاه های تربیت معلم و دبیر و دوره های متناوب آموزشی برای معلمان به منظور به روز شدن اطلاعات و دانش علمی آنان بر مبنای آخرین پیشرفت های علمی و تکنولوژی و دستاوردهای آموزشی در کشورهای دیگر.

۵- حقوق و آزادی های دانش آموزان

- ممنوعیت هر نوع آزار دانش آموزان در مدارس و مؤسسات آموزشی.

- ممنوعیت اکید تنبیه بدنی.

- ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارباب دانش آموزان. - احترام و اعتماد به دانش آموزان و تلاش مداوم برای رشد اعتماد به نفس، خلاقیت و استقلال فکری و شعور اجتماعی دانش آموزان شرط اول یک آموزش و پرورش انسانی و مدرن است.

- آزادی بی قید و شرط بیان، عقیده، اعتراض و آزادی پرسش و نقد و اظهار نظر برای دانش آموزان و معلمان. هر گونه تفتیش عقاید یا جاسوسی از معلمان و دانش آموزان ممنوع است. - آزادی تشکل های دانش آموزان و معلمان و امکان و آزادی دخالت آنها در تمام زمینه های مربوط به مدیریت و برنامه های آموزشی. مدارس باید به صورت شورایی اداره شوند.

- رابطه نزدیک مدرسه با خانواده دانش آموزان، مطلع نگه داشتن خانواده ها از وضعیت مدارس، آزادی تشکیل انجمن ها و نهادهای مدنی برای نظارت بر مدارس.

- برای تحقق کلیه این مطالبات لازم است بودجه کافی به آموزش و پرورش اختصاص داده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ شهریور ۱۴۰۳، ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴

چه خرافات مذهبی و چه مقدسات

ناسیونالیستی ربطی به خواسته های مردم ندارد.

مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی

اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر

آزادی های مدنی و غیره خواستار حقوق

مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با

پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا

شاه میهن" سرکوب شده اند.

(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و

مساله سه جزیره)

کار مزدی و سرمایه (بخش دوم)

نوشته کارل مارکس

ترجمه از کاظم نیکخواه



قیمت یک کالا با چه چیزی تعیین می‌شود؟

با رقابت بین خریداران و فروشندگان، با رابطه تقاضا با عرضه، با ارائه و قیمت پیشنهادی. رقابتی که در آن قیمت یک کالا تعیین می‌شود سه‌جانبه است. هر کالای واحدی توسط فروشندگان مختلف برای فروش عرضه می‌شود. هر کس کالاهایی با همان کیفیت را ارزان‌تر بفروشد، مطمئناً فروشندگان دیگر را از میدان بیرون می‌کشد و بزرگ‌ترین بازار را برای خود تضمین می‌کند؛ بنابراین فروشندگان برای فروش، برای بازار، با یکدیگر می‌جنگند. هر یک از آنها مایل است بفروشد، و تا حد امکان بفروشد، و در صورت امکان به تنهایی و با کنار زدن فروشندگان دیگر بفروشد. هر کدام ارزان‌تر از دیگری به فروش می‌رسد؛ بنابراین رقابتی بین فروشندگان رخ می‌دهد که قیمت کالاهای عرضه شده توسط آنها را کاهش می‌دهد.

اما رقابت بین خریداران نیز وجود دارد. این امر باعث افزایش قیمت کالاهای عرضه شده می‌شود. و بالاخره رقابت بین خریداران و فروشندگان نیز وجود دارد: اینها می‌خواهند تا حد امکان ارزان‌تر خرید کنند، و آنها می‌خواهند تا حد امکان گران‌تر بفروشند. نتیجه این رقابت بین خریداران و فروشندگان به روابط بین دو کمپ رقابتی فوق‌الذکر بستگی دارد - یعنی اینکه آیا رقابت در ارتش فروشندگان قوی‌تر است یا خیر. صنعت، دو ارتش بزرگ را به میدان جنگ علیه یکدیگر هدایت می‌کند، در عین حال که هر یک از آنها درگیر نبردی بین نیروهای خود در صفوف خود هستند. ارتش. که در میان سربازانش کمتر درگیری وجود داشته باشد، پیروزی را بر حریف به دست می‌آورد. فرض کنید ۱۰۰ عدل پنبه در بازار وجود دارد و هم‌زمان خریدار برای ۱۰۰۰ عدل پنبه وجود دارد. در این حالت تقاضا ۱۰ برابر بیشتر از عرضه است. پس رقابت بین خریداران بسیار قوی خواهد بود. هر یک از آنها سعی می‌کنند در صورت امکان، یک عدل از کل ۱۰۰ عدل را به دست بیاورند. این مثال یک فرض دلخواه نیست. در تاریخ تجارت، دوره‌هایی از کمبود پنبه را تجربه کرده‌ایم، زمانی که برخی از سرمایه‌داران با هم متحد شدند و به دنبال

خرید نه ۱۰۰ عدل، بلکه کل عرضه پنبه جهان بودند؛ بنابراین، در این مورد، یک خریدار با ارائه قیمت نسبتاً بالاتری برای عدل‌های پنبه، به دنبال این است که دیگران را از میدان خارج کند. پنبه‌فروشان که نیروهای دشمن را در خشن‌ترین مشاجره بین خود می‌بینند و بنابراین از فروش کل ۱۰۰ عدل خود اطمینان کامل دارند، از کندن موهای یکدیگر بر سر کاهش قیمت پنبه درست در لحظه‌ای که حریفان با یکدیگر مسابقه می‌دهند تا قیمت را بالا ببرند، خودداری می‌کنند؛ بنابراین ناگهان آرامش در ارتش فروشندگان حاکم می‌شود. آنها مثل یک تن واحد در مقابل خریداران ظاهر می‌شوند، با رضایت فلسفی سلاح‌هایشان را غلاف می‌کنند و ادعاهایشان (برای قیمت‌گذاری - م) تا جایی که آسوپاس‌ترین خریداران امکان داشته باشند، حد و مرزی نمی‌شناسند؛ بنابراین، اگر عرضه کالایی کمتر از تقاضا برای آن باشد، رقابت بین فروشندگان بسیار اندک یا کلاً ناموجود است. به همان نسبتی که این رقابت کاهش می‌یابد، رقابت بین خریداران افزایش می‌یابد. نتیجه: افزایش قیمت کالاها. به میزانی کم‌بیش قابل توجه. به‌خوبی می‌دانیم که حالت معکوس، با نتیجه معکوس، بیشتر اتفاق می‌افتد. یعنی مازاد عرضه بر تقاضا؛ رقابت ناامیدکننده بین فروشندگان و کمبود خریداران؛ فروش اجباری کالاها با قیمت‌های بسیار پایین.

اما افزایش قیمت و سقوط قیمت به چه معناست؟ قیمت زیاد و قیمت پایین چیست؟ یک‌دانه شن وقتی زیر میکروسکوپ قرار گیرد بزرگ دیده می‌شود، یک برج در مقایسه با یک کوه، بسیار کوتاه است. اگر قیمت با رابطه عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، رابطه عرضه و تقاضا با چه چیزی تعیین می‌شود؟ بیایید برای پاسخ به این سؤال به اولین شهروند محترمی که ملاقات می‌کنیم مراجعه کنیم. او یک لحظه در پاسخ درنگ نخواهد کرد، بلکه مانند اسکندر مقدونی این گره متافیزیکی را با جدول ضرب خود حل خواهد کرد. او به ما خواهد گفت: «اگر تولید کالاهایی که می‌فروشیم ۱۰۰ پوند برای من هزینه داشته باشد و از فروش این کالاها ۱۱۰ پوند درآورم - در طول سال،

کار مزدی و سرمایه (بخش دوم)

از صفحه ۸

اقتصاددانان انجام می‌شود. اما دقیقاً همین نوسانات است که با نگاه دقیق‌تر، وحشتناک‌ترین ویرانی‌ها را با خود همراه دارد و مانند یک زلزله، جامعه بورژوازی را از پایه‌های آن به لرزه در می‌آورد - و دقیقاً با این افت و خیزهاست که قیمت را با هزینه تولید منطبق می‌کند. نظم آن را در کلیت این حرکت پر از هرچومرج باید دید. در جریان کل این هرچومرج صنعتی، در این حرکت دایرهوار، رقابت، زیاد روی را با زیاده‌روی دیگری جبران می‌کند.

بنابراین می‌بینیم که قیمت یک کالا در واقع با هزینه تولید آن تعیین می‌شود، اما به این ترتیب که دوره‌هایی که در آن قیمت این کالاها از هزینه‌های تولید بالاتر می‌رود، با دوره‌هایی که در آن به زیر هزینه تولید کاهش می‌یابد، متعادل می‌شود و بر عکس. البته این الزاماً برای هر محصول خاص در یک صنعت صدق نمی‌کند، بلکه فقط برای آن شاخه از صنعت صدق می‌کند. همچنین برای یک تولیدکننده منفرد صادق نیست، بلکه از زاویه کل طبقه تولیدکنندگان صادق است.

تعیین قیمت بر اساس هزینه تولید مساوی است با تعیین قیمت توسط زمان کار لازم برای تولید یک کالا، زیرا هزینه تولید اولاً شامل مواد اولیه و فرسودگی ابزار و غیره است، یعنی آن محصولات صنعتی که تولید آنها به تعداد معینی از روزهای کاری هزینه در بر داشته است، که بنابراین مقدار معینی از زمان کار را نشان می‌دهد، و ثانیاً کار مستقیم، که با مدت زمان آن نیز اندازه‌گیری می‌شود.

دستمزدها بر اساس چه چیزی تعیین می‌شود؟

حال همان قوانین کلی که قیمت کالاها به طور عمومی را تنظیم می‌کند، طبیعتاً دستمزد یا قیمت نیروی کار را نیز تنظیم می‌کند. بر طبق رابطه عرضه و تقاضا، یعنی بنا بر رقابتی که میان خریداران نیروی کار - سرمایه‌داران - و فروشندگان نیروی کار - کارگران - شکل می‌گیرد، دستمزدها هم یک‌زمان افزایش می‌یابد و زمان دیگری کاهش می‌یابد. نوسانات دستمزدها به‌طور کلی با نوسانات قیمت کالاها مطابقت دارد. اما در محدوده این نوسانات، قیمت نیروی کار توسط هزینه تولید، توسط زمان کار لازم برای تولید این کالا یعنی نیروی کار تعیین خواهد شد.

اما هزینه تولید نیروی کار چقدر است؟ این هزینه، هزینه‌ای است که برای نگهداری کارگر به‌عنوان کارگر، و برای تحصیل و آموزش او به‌عنوان کارگر لازم است.

بنابراین، هر چه زمان لازم برای آموزش یک نوع خاص کار کوتاه‌تر باشد، هزینه تولید کارگر کمتر می‌شود، قیمت نیروی کار، دستمزد او هم کمتر می‌شود. در آن شاخه‌های صنعتی که چندان دوره‌ای کارآموزی ای لازم نیست و صرف وجود فیزیکی کارگر کافی است، هزینه تولید او تقریباً منحصرراً به کالاهایی محدود می‌شود که برای بقا و حفظ او در وضعیت کارکردن ضروری است؛ بنابراین، قیمت کار او با قیمت وسایل ضروری زنده‌ماندن او تعیین می‌شود.

در اینجا ما ملاحظه دیگری هم وارد می‌شود. تولیدکننده‌ای که هزینه تولید خود را محاسبه می‌کند و مطابق با آن قیمت محصول را محاسبه می‌کند، فرسایش ابزار کار را هم به حساب می‌آورد. اگر ماشینی مثلاً ۱۰۰۰ شیلینگ برایش قیمت داشته باشد و این ماشین در ۱۰ سال تمام شود، سالانه ۱۰۰ شیلینگ به قیمت کالا اضافه می‌کند تا بعد از ۱۰ سال بتواند دستگاه فرسوده را جایگزین دستگاه جدید کند. به همین ترتیب، هزینه تولید نیروی کار ساده باید شامل هزینه تکثیر کارگر نیز باشد که به‌وسیله آن کارگران را قادر می‌سازد تا خود را چندبرابر کنند و کارگران فرسوده را با کارگران جدید جایگزین کنند؛ بنابراین، فرسودگی کارگر به همان روشی محاسبه می‌شود که فرسودگی دستگاه محاسبه می‌شود.

بنابراین، هزینه تولید نیروی کار ساده به‌اندازه هزینه وجود و تکثیر کارگر است. بهای این هزینه وجود و تکثیر، دستمزد را تشکیل می‌دهد. دستمزدهای تعیین شده به این شکل را حداقل دستمزد می‌نامند. این حداقل دستمزد، مانند تعیین قیمت کالاها به‌طور کلی بر اساس هزینه تولید، برای هر فرد واحدی صدق نمی‌کند، بلکه فقط برای قشر کارگران در نظر گرفته می‌شود. افراد کارگر، در واقع میلیون‌ها کارگر، حتی آن قدر دریافت نمی‌کنند که بتوانند به موجودیت خود ادامه دهند و خودشان را تکثیر کنند. اما دستمزدهای کل

می‌دانید - این یک سود خوب، سالم و معقول است. اما اگر در مبادله ۱۲۰ یا ۱۳۰ پوند به دست بیاورم، این سودی بالاتر است. و اگر ۲۰۰ پوند دریافت کنم، این یک سود فوق‌العاده و هنگفت خواهد بود.» پس چه چیزی به این شهروند به‌عنوان شاخص سود او خدمت می‌کند؟ هزینه تولید کالاهای او. اگر در ازای این کالاها مقداری کالای دیگر دریافت کند که هزینه تولید آن کمتر بوده است، ضرر کرده است. اگر در ازای کالای خود مقداری از کالاهای دیگر را دریافت کند که هزینه تولید آنها بیشتر بوده است، منتفع شده است. او کاهش یا افزایش سود را بر اساس درجه‌ای که ارزش مبادله کالاهایش بالاتر یا پایین‌تر از نقطه صفر او یعنی هزینه تولید است، محاسبه می‌کند.

دیدیم که چگونه تغییر رابطه عرضه و تقاضا باعث افزایش و یا کاهش قیمت‌ها می‌شود. یک موقع قیمت‌های بالا، و یک موقع دیگر قیمت‌های پایین. اگر قیمت کالایی به دلیل کمبود عرضه یا رشد بیش از حد تقاضا، به میزان قابل توجهی افزایش یابد، آنگاه قیمت برخی از کالاهای دیگر باید به همین نسبت کاهش یافته باشد. زیرا قیمت یک کالا بیان پولی نسبتی است که کالاهای دیگر در ازای آن داده می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر قیمت یک یارد ابریشم از دو به سه شیلینگ افزایش یابد، قیمت نقره نسبت به ابریشم کاهش یافته است و به همین ترتیب قیمت سایر کالاهایی که قیمت آنها ثابت مانده است، نسبت به ابریشم کاهش یافته است. مقدار زیادتری از آنها باید برای به‌دست آوردن همان مقدار ابریشم داده شود. اما پیامد افزایش قیمت یک کالای خاص چه خواهد بود؟ انبوهی از سرمایه به شاخه پررونق صنعت ریخته خواهد شد و این مهاجرت سرمایه به حوزه‌های صنعت موردپسند تا زمانی ادامه خواهد یافت که دیگر سودی بیش از سود متعارف به دست نیآورد، یا بهتر است بگوییم تا زمانی که به دلیل تولید مازاد بهای محصولاتش به دست نیاید. یعنی تولید بیش از حد، پایین‌تر از هزینه تولید باشد.

برعکس: اگر قیمت یک کالا کمتر از هزینه تولید آن باشد، سرمایه از تولید این کالا خارج می‌شود. به جز در مورد شاخه‌ای از صنعت که منسوخ شده و در نتیجه محکوم به ناپدید شدن است، تولید چنین کالایی (یعنی عرضه آن)، با توجه به فرار سرمایه، تا زمانی که با تقاضا مطابقت داشته باشد، کاهش خواهد یافت. تقاضا و قیمت کالا دوباره تا سطح هزینه تولید آن افزایش خواهد یافت، یا به جای آن، تا زمانی که عرضه به کمتر از تقاضا کاهش یابد و قیمت آن بالاتر از هزینه تولید آن برسد. زیرا قیمت فعلی یک کالا همیشه یا بالاتر یا کمتر از هزینه تولید آن است.

می‌بینیم که چگونه سرمایه به طور مداوم از حوزه یک صنعت مهاجرت می‌کند و به حوزه دیگری مهاجرت می‌کند. قیمت بالا باعث ورود بیش از حد می‌شود و قیمت پایین فرار بیش از حد با باعث می‌شود.

از زاویه دیگری می‌توانیم نشان دهیم که چگونه نه تنها عرضه، بلکه تقاضا نیز با هزینه تولید تعیین می‌شود. اما پرداختن به این ما را از موضوع خود بسیار دور می‌کند.

ما اکنون مشاهده کرده‌ایم که چگونه نوسانات عرضه و تقاضا همیشه قیمت یک کالا را به قیمت تمام شده تولید آن بازمی‌گرداند. قیمت واقعی یک کالا، در واقع، همیشه بالاتر یا کمتر از هزینه تولید است. اما صعود و سقوط، متقابلاً یکدیگر را متعادل می‌کنند، به‌طوری که در یک بازه زمانی معین، اگر جزو و مدهای صنعت با هم در نظر گرفته شود، کالاها مطابق با هزینه تولیدشان با یکدیگر مبادله می‌شوند؛ بنابراین قیمت آنها با هزینه تولید آنها تعیین می‌شود.

تعیین قیمت با هزینه تولید را نباید به شیوه‌ای که اقتصاددانان بورژوا درک می‌کنند، فهمید. اقتصاددانان می‌گویند که قیمت متوسط کالاها با هزینه تولید برابر است: این قانون است. هرچومرجی که در آن افزایش با سقوط، و سقوط با افزایش همراه می‌شود، را یک حادثه یا اتفاق می‌دانند. ممکن است ما نوسانات را به‌عنوان قانون، و تعیین قیمت بر اساس هزینه تولید را یک تصادف در نظر بگیریم - همانطور که در واقع توسط برخی دیگر از

کار مزدی و سرمایه (بخش دوم)

از صفحه ۹

طبقه کارگر، خود را در محدوده نوسانات خود با این حداقل تطابق می‌دهد. اکنون که در مورد کلی‌ترین قوانین حاکم بر دستمزد و نیز قیمت هر کالای دیگری روشن شده‌ایم، می‌توانیم موضوع خود را بیشتر بررسی کنیم.

ماهیت و رشد سرمایه

سرمایه شامل مواد خام، ابزار کار و انواع وسایل امرارمعاش است که در تولید مواد خام جدید، ابزارهای جدید و وسایل معیشت جدید به کار می‌رود. همه این اجزای سرمایه توسط کار تولید شده‌اند، محصولات کار هستند، کار انباشته شده. نیروی کار انباشته‌ای که به‌عنوان وسیله‌ای برای تولید جدید عمل می‌کند، سرمایه است. این را اقتصاددانان می‌گویند.

برده سیاه‌پوست چیست؟ مردی از نژاد سیاه. یک توضیح حکیمانه! سیاه‌پوست یک سیاه‌پوست است. فقط تحت شرایط خاصی برده می‌شود. دستگاه پنبه‌ریسی دستگاهی برای ریسندگی پنبه است. فقط تحت شرایط خاصی تبدیل به سرمایه می‌شود. اگر از این شرایط دور شود به همان اندازه این دستگاه سرمایه است که طلا به‌خودی‌خود پول است، یا شکر قیمت شکر است.

در فرآیند تولید، انسان‌ها نه تنها بر روی طبیعت، بلکه بر روی یکدیگر نیز کار می‌کنند. آنها فقط با همکاری با یکدیگر به شیوه‌ای مشخص و تبادل متقابل فعالیت‌های خود تولید می‌کنند. آنها برای تولید وارد پیوندها و روابط معینی با یکدیگر می‌شوند و تنها در درون این پیوندها و روابط اجتماعی تأثیر آنها بر طبیعت اعمال می‌شود، یعنی تولید صورت می‌گیرد.

این روابط اجتماعی بین تولیدکنندگان و شرایطی که تحت آن آنها فعالیت‌های خود را مبادله می‌کنند و در کل عمل تولید سهیم می‌شوند، طبیعتاً بسته به ویژگی ابزار تولید، متفاوت خواهد بود. برای نمونه با کشف ابزار جنگی جدید، یعنی سلاح گرم، ضرورتاً کل سازمان درونی ارتش تغییر می‌کند، روابطی که افراد در آن ارتش تشکیل می‌دهند و می‌توانند به‌عنوان یک ارتش فعالیت کنند، دگرگون می‌شود و رابطه ارتش‌های مختلف با ارتش‌های دیگر به همین ترتیب تغییر می‌کند.

بنابراین، می‌بینیم که روابط اجتماعی که افراد در درون آنها تولید می‌کنند، روابط اجتماعی تولید، با تغییر و توسعه ابزار مادی تولید یا نیروهای تولیدی، تغییر می‌کند و دگرگون می‌شوند. روابط تولید در مجموع آن چیزی است که به آن روابط اجتماعی یا جامعه می‌گوییم، البته جامعه در یک مرحله خاص از تکامل تاریخی. جامعه‌ای با خصوصیات ویژه و متمایز. جامعه باستانی، جامعه فئودالی، جامعه بورژوازی (سرمایه‌داری) کلیت‌هایی از روابط تولیدی هستند که هر یک مشخص‌کننده مرحله خاصی از توسعه در تاریخ بشریت است.

سرمایه نیز یک رابطه اجتماعی تولید است. این یک رابطه تولید بورژوازی است، یک رابطه تولید جامعه بورژوازی. وسایل امرارمعاش، ابزار کار، مواد خام، که سرمایه از آنها تشکیل شده است - آیا در شرایط اجتماعی معین،

در چارچوب مناسبات خاص و معین، تولید و انباشته نشده‌اند؟ آیا آنها تحت شرایط خاص در روابط اجتماعی معین برای تولید جدید به کار گرفته نمی‌شوند؟ و آیا فقط خصلت اجتماعی معینی بر محصولاتی که برای تولید جدید به‌عنوان سرمایه خدمت می‌کنند، مهر خود را نمی‌زند؟

سرمایه نه تنها از وسایل امرارمعاش، ابزار کار و مواد خام، نه تنها به‌عنوان محصولات مادی، بلکه به همان اندازه از ارزش‌های مبادله‌ای تشکیل شده است. تمام محصولاتی که از آن تشکیل شده است، کالا هستند. در نتیجه، سرمایه نه تنها مجموعه‌ای از محصولات مادی، بلکه مجموعه‌ای از کالاها، ارزش‌های مبادله‌ای، و موجودیت اجتماعی است. چه پنبه را به‌جای پشم قرار دهیم، یا برنج را به‌جای گندم، کشتی‌های بخار را به‌جای راه‌آهن، در هر حال سرمایه یکسان می‌ماند، مشروط بر اینکه پنبه، برنج، کشتی‌های بخار - یعنی بدنه سرمایه - ارزش مبادله‌ای یکسانی داشته باشد یعنی برابر همان قیمت پشم، گندم، راه‌آهن، که قبلاً در آن تجسم یافته بود. شکل بدنی سرمایه ممکن است دائماً خود را دگرگون کند، در حالی که سرمایه کمترین تغییر را متحمل نشود. اما هر چند هر سرمایه مجموعی از کالاها - یعنی ارزش مبادله‌ای - است، نتیجه نمی‌شود که هر مجموع کالاها، هر مجموعه‌ای از ارزش‌های مبادله‌ای، سرمایه است.

هر مقدار ارزش مبادله‌ای یک ارزش مبادله‌ای است. هر ارزش مبادله‌ای خاص مجموعه‌ای از ارزش‌های مبادله‌ای است. به‌عنوان مثال: یک خانه به ارزش ۱۰۰۰ پوند، ارزش مبادله‌ای ۱۰۰۰ پوند است: یک تکه کاغذ به ارزش یک پنی مجموع ارزش مبادله یک پنی است. محصولاتی که با دیگر محصولات قابل مبادله هستند، کالا هستند. نسبت معینی که آنها در آن قابل مبادله هستند، ارزش مبادله آنها، یا به بیان بولی، قیمت آنها را تشکیل می‌دهد. مقدار این محصولات نمی‌تواند بر ویژگی آنها به‌عنوان کالا، به‌عنوان نماینده ارزش مبادله‌ای، به‌عنوان دارای قیمت معین، تأثیری داشته باشد. درخت چه بزرگ باشد چه کوچک، درخت باقی می‌ماند. چه ما آهن را در وزن یک سکه یا در صد برابر وزن، با محصولات دیگر مبادله کنیم، آیا این ویژگی آن را تغییر می‌دهد: یعنی کالا بودن یا ارزش مبادله‌ای آن را؟ با توجه به کمیت، این کالایی با ارزش کمتر یا بیشتر است.

پس چگونه مجموعه‌ای از کالاها، مجموعه‌ای از ارزش‌های مبادله‌ای، تبدیل به سرمایه می‌شود؟ بدین ترتیب که به‌عنوان یک قدرت اجتماعی مستقل - یعنی به‌عنوان قدرت بخشی از جامعه - این کالاها خود را از طریق مبادله با کار زنده حفظ می‌کنند و تکثیر می‌کنند.

وجود طبقه‌ای که چیزی جز توانایی کارکردن ندارد، پیش فرض ضروری سرمایه است.

تنها تسلط کار انباشته شده و مادی شده گذشته بر کار زنده بواسطه است که مهر خصلت سرمایه را بر کار انباشته شده می‌زند. سرمایه از این واقعیت ناشی نمی‌شود که کار انباشته شده به کار زنده به‌عنوان وسیله‌ای برای تولید خدمت می‌کند. سرمایه از این واقعیت ناشی می‌شود که کار زنده به کار انباشته شده به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ ارزش مبادله‌ای آن و همچنین افزایش ارزش مبادله‌ای آن خدمت می‌کند.*

دیگر نمی‌پذیریم که یک اقلیت مفت‌خور و بی‌منطق و بی‌خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی برای تحمیل دیکتاتوری و مفت‌خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست. انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم‌وکاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

اعدام جمشید شارمهد را شدیداً محکوم می‌کنیم!

بنری با نوشته «جنگ‌افروزی رو رها کن، فکری به حال ما کن» مخالفانشان را با جنگ‌افروزی حکومت نشان دادند. کارگران نفت در همین روزها اعتصاب و تجمعات خود را گسترش داده و پرستاران اعلام اعتصاب و تجمع سراسری در روز پرستار کردند. معلمان در حمایت از بازنشستگان بیانییه صادر کردند، رانندگان ناوگان عمومی مسافربری دست به تجمع اعتراضی زدند و دانشجویان شروع به اعتراض علیه مشکلات خود کرده‌اند.

اعدام جمشید شارمهد در چنین فضایی صورت می‌گیرد و نه تنها کسی را مرعوب نمی‌کند بلکه خشم و انزجار مردم علیه حکومت آدمکش اسلامی را هرچه بیشتر گسترش می‌دهد.

حزب کمونیست کارگری اعدام جنایت‌کارانه جمشید شارمهد را شدیداً محکوم می‌کند و از مردم آزاده در داخل و خارج کشور می‌خواهد که با گسترش مبارزه علیه اعدام سد محکم‌تری علیه این ابزار توحش و سرکوب حکومت ایجاد کنند. قضاوت و جلادان و سران حکومت اسلامی باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ آبان ۱۴۰۳، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۴

جنایت‌کاران حاکم امروز ۷ آبان، دوازده روز پس از حمله ارتش اسرائیل به چند مرکز نظامی جمهوری اسلامی، جمشید شارمهد را که در تابستان ۱۳۹۹ در دبی ربوده بود، پس از چهار سال زندان و شکنجه اعدام کردند و انتقام حمله اسرائیل را طبق معمول از مردم گرفتند. حکومت که در گردابی از خشم و نفرت مردم از جمله به دلیل سیاست جنگ‌افروزان‌اش قرار گرفته است دست به اعدام یک زندانی سیاسی زد تا از مردم زهرچشم بگیرد و اعلام کند که هنوز سر پا هستیم و هنوز قدرت کشتن داریم. هر چه رجزخوانی حاکمان علیه اسرائیل و به دریا ریختن آن پوچی خود را بیشتر نشان می‌دهد رجزخوانی علیه مردم پررنگ‌تر می‌شود.

اعدام و تهدید و سرکوب تلاش مذبحخانه حکومتی است که می‌داند در محاصره خشم و نفرت مردم قرار گرفته و راه نجاتی ندارد. جنگ‌افروزی نیز دردی از حکومت دوا نخواهد کرد.

مردم کار خودشان را می‌کنند و با هوشیاری تمام به اعتراضاتشان ادامه می‌دهند و اجازه نمی‌دهند مبارزه آنها و مطالبات سرکوب‌شده‌شان تحت الشعاع فضای جنگی حکومت قرار گیرد. درست یک روز پس از حمله اسرائیل دانشجویان دانشکده علوم تهران با شعار زن زندگی آزادی و علیه جداسازی جنسیتی و افزایش شهریه دانشگاه دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بازنشستگان نیز در شهرهای مختلف تجمع کردند و در شهرهایی مانند کرمانشاه با شعار "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه" و با



مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تبیبه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.
(یک دنیای بهتر)

کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در آلمان بسته شد! سفارت جمهوری اسلامی نیز باید بسته شود!

جمهوری اسلامی نیز باید بسته شود. جمهوری اسلامی به دلیل اعدام جمشید شارمهد، به دلیل اعدام‌های هر روزه، به دلیل آپارتاید جنسیتی، به دلیل جنایات بی‌شمار علیه بشریت باید بایکوت شود، روابط سیاسی و دیپلماتیک دولت آلمان و همه دولت‌های دیگر با آن قطع شود، کلیه مراکز آن تعطیل شود و سپاه پاسداران به‌عنوان یک نیروی تروریست اعلام شود. اینها مطالبات به‌حق مردم ایران است.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اکتبر ۲۰۲۴

دولت آلمان در واکنش به اعدام جمشید شارمهد، شهروند ایرانی - آلمانی دستور به بسته‌شدن همه کنسولگری‌های جمهوری اسلامی داد. وزیر امور خارجه آلمان که این تصمیم را اعلام کرد گفت: "روابط دولت آلمان با جمهوری اسلامی به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. رژیم ایران بیش از همه زیان باج‌خواهی، تهدید و خشونت را می‌فهمد. ما بارها و به‌صورت واضح به جمهوری اسلامی اعلام کرده‌ایم که اعدام یک شهروند آلمانی عواقب جدی در پی خواهد داشت."

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری از بسته‌شدن کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در آلمان استقبال می‌کند و اعلام می‌کند که سفارت

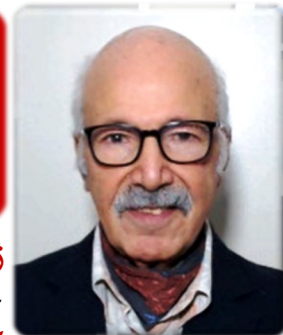


زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم‌وکاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد. زنده‌باد انقلاب!

حزب کمونیست کارگری ایران

بعد از حمله اسرائیل سؤال از کاظم نیکخواه



ژورنال: حمله اسرائیل انجام شد
عکس العمل رژیم چه خواهد بود؟

کاظم نیکخواه: جمهوری اسلامی در

موقعیت بسیار سخت‌تری نسبت به قبل قرار گرفته است. هم ضربه نظامی سنگینی خورده و هم ناتوانی‌اش در برابر اسرائیل بر همه آشکارتر شده و هم ناچار است به دلیل سیاست هویتی‌اش در مورد نابودی اسرائیل، به رجزخوانی‌هایش ادامه دهد. این رجزخوانی‌ها اکنون دیگر حتی خودی‌هایشان را نیز عصبانی می‌کند. چون می‌دانند که توخالی است و می‌دانند که همه می‌دانند که توخالی است و تکرار آنها به هر شکلی فقط باعث تمسخر و مضحکه حکومت است.

باتوجه به همه اینها جمهوری اسلامی قطعاً نه توان و نه قصد جواب‌دادن ندارد. همین حد که هنوز بعد از حمله سرپا مانده است باید خدایش را شکرگزار باشد. اما فضای بین جمهوری اسلامی و اسرائیل وارد فاز تازه‌ای شده که فاز جنگی و تقابلی نظامی مستقیم است. این اوضاع با قبل که اساساً جمهوری اسلامی رجزخوانی می‌کرد و قدرت نیابتی‌هایش را به رخ می‌کشید و اسرائیل هم سرداران و نیروهای هسته‌ای حکومت را ترور می‌کرد و به روی خود نمی‌آورد، قابل‌مقایسه نیست. چگونگی تحولات فضای جنگی دقیقاً برای هیچ‌کس حتی برای نیروهای مستقیم درگیر، قابل‌پیش‌بینی نیست و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.

ژورنال: ارزیابی شما از موقعیت رژیم در حال حاضر چیست؟

کاظم نیکخواه: جمهوری اسلامی وارد یک بحران و بن‌بست جدی هویتی شده است. همان‌طور که گفتم فاز تازه‌ای در رودرویی حکومت اسلامی و اسرائیل شروع شده است. آرامش در این فاز نمی‌تواند بسیار طولانی‌مدت ادامه یابد. در شرایط فعلی طرفین هیچ‌کدام خواهان گسترش دامنه درگیری‌ها نیستند. اسرائیل ضربات کاری ای به توان پدافندی و موشکی و زیرساخت‌های نظامی حکومت وارد کرده و تا مدتی

خیالش راحت است. درعین‌حال باتوجه به اینکه سیاست دولت بایدن درگیرشدن در یک جنگ گسترده منطقه‌ای نیست، دولت نتانیاهو نیز عجلتاً تا اعلام نتیجه انتخابات روزهای آینده آمریکا باید صبر کند و برای روشن شدن سیاست رئیس‌جمهور جدید منتظر بماند. اما جمهوری اسلامی به شدت ضربه خورده است. رأس نیابتی‌هایش یعنی حماس و حزب‌الله نابود شده و اینها قدرت عرض‌اندام جدی ای تا مدت‌ها نخواهند داشت. ضعف و ناتوانی نظامی و اطلاعاتی خود حکومت هم نسبت به اسرائیل بر همگان آشکار شده است و جایی برای لاف‌زدن باقی نمانده است.

این شرایط ناهنجار، برای حکومت قدرت مانور زیادی مقابل اسرائیل باقی نمی‌گذارد. جمهوری اسلامی نشان داده است که در این گونه موارد به سراغ مردم می‌رود و تلاش می‌کند با تشدید دستگیری‌ها و اعدام‌ها و سرکوب، فضای جامعه را تحت کنترل نگاه دارد. همین روزها بعد از حمله اسرائیل یک زندانی سیاسی به نام جمشید شارمهد را اعدام کرد. اما این تقلای جنایت‌کارانه نیز در شرایط انفجاری کنونی دیگر جواب نمی‌دهد و برای حکومت گران تمام خواهد شد. چرا که با انقلاب زن زندگی آزادی جامعه در یک فضای تعرضی و سرنگونی نسبت به حکومت قرار گرفته و مردم نشان داده‌اند که با جنایات حکومت خشم خود را فرو نمی‌خورند و عاصی‌تر از قبل به خیابان می‌آیند. تشدید سرکوب‌ها و جنایات حکومت با عکس‌العمل شدید مردم در ایران و در سطح بین‌المللی پاسخ خواهد گرفت و حکومت را به سرانجام سقوط خواهد کشاند.

در حال حکومت اسلامی در موقعیتی قرار گرفته که به هر سو حرکت کند ضربات کاری خواهد خورد و باتوجه به این باید دید که از کدام مسیر خود را به نابودی نزدیک می‌کند.

[مندرج در نشریه ژورنال شماره ۸۷۳](#)



ژورنال

اطلاعه‌های هفته اخیر

برنامه‌بودجه و در کرمانشاه به تجمع در مقابل صندوق بازنشستگی فراخوان داده‌اند. کانون صنفی معلمان ایران و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز از این فراخوان‌ها اعلام پشتیبانی کرده است. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم هستند و از خواست‌های و اعتراضاتشان وسیعاً حمایت کنیم.

اعتراض بر سر معیشت در سطح جامعه گسترده است. دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف علیه شهریه‌های نجومی از جمله در دانشگاه‌های آزاد تهران، اصفهان، دانشگاه بهشتی، تجمعات داشته و این اعتراضات ادامه دارد. در دانشگاه آزاد علوم پزشکی اصفهان خانواده‌ها نیز با اعتراضات دانشجویان همراهی کردند.

امروز ششم آبان‌ماه رانندگان ناوگان عمومی مسافری در اعتراض به مسدود شدن کارت سوخت و بیکاری و وضع بد معیشتی خود در مقابل استانداری زاهدان تجمع کردند. این رانندگان می‌گویند که ۹۰ روز است که کارت‌های سوخت اتوبوس درون‌شهری و برون‌شهری آنها مسدود شده و کسی جوابگو نیست.

پرستاران نیز بخش دیگر معترضین جامعه به وضع بد معیشتی و مشکلات کاری خود هستند. پرستاران در ادامه اعتراضات گسترده و سراسری قبلی خود به اعتصابی سراسری برای روز هفدهم آبان‌ماه برای پیگیری مطالباتشان فراخوان داده‌اند. در همین راستا روز گذشته پنجم آبان‌ماه پرستاران در شوشتر تجمع و اعتراض داشتند. افزایش حقوقها و پرداخت کامل و بدون تبعیض تعرفه‌ها، حذف اضافه‌کاری‌های اجباری و استخدام پرستار به میزان کافی، بازگشت به کار پرستاران اخراجی و بهبود شرایط کاری و پرداخت تمامی طلب‌ها و مطالبات از جمله خواست‌های فوری پرستاران است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ آبان ۱۴۰۳، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۴

ادامه اعتراضات دانشجویان، تجمعات بازنشستگان مخابرات و اخباری دیگر

سردادن شعار زن زندگی آزادی توسط دانشجویان

امروز هفتم آبان‌ماه بازنشستگان مخابرات در تداوم اعتراضات خود به فقر و بی‌تامینی و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان در شهرهای مختلفی تجمع اعتراضی بر پا کردند. این تجمعات در این روز در شهرهای تبریز، تهران، ایلام، شیراز، بیجار، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، همدان، مریان، اردبیل، زنجان و رشت برگزار شدند. عدم اجرای تعهدات آیین‌نامه ۸۹/۲۴ و به‌روزی شدن برخی مزایای شغلی که می‌تواند بهبودی در سطح دریافتی بازنشستگان مخابرات ایجاد کند از جمله خواست‌های فوری آنهاست و به دزدی‌ها و اختلاس‌گری‌های سهام‌داران عمده شرکت یعنی نهاد حکومتی موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" و تعاون سپاه پاسداران اعتراض دارند.

گرانی، تورم و اختلاس‌ها و دزدی‌ها محور اصلی شعارهای این روز بازنشستگان مخابرات بودند. بازنشستگان مخابرات با فریاد "معیشت، منزلت، سلامت حق مسلم ماست" و شعار "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون" بر تداوم اعتراضات خود تأکید کردند. بخش‌های مختلف بازنشستگان روزهای مختلف هفته را به روز اعتراض خود تبدیل کرده‌اند. بازنشستگان در کرمانشاه برای پیگیری اعتراضاتشان برای فردا هشتم آبان‌ماه به تجمع مشترک فراخوان داده‌اند.

امروز همچنین در شهرک مدنی تبریز مردم با خواست رفع مشکلاتشان

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در چند شهر و اخباری دیگر جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه

امروز ششم آبان‌ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در شهرهای کرمانشاه، اهواز، اصفهان و کرمان برای پیگیری مطالباتشان تجمعات اعتراضی برپا داشتند. این تجمعات بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده و در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی این بخش از بازنشستگان صورت می‌گیرد. در کرمانشاه و اهواز بازنشستگان با شعار "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه" و با بنری با نوشته «جنگ افروزی رو رها کن، فکری به حال ما کن» نسبت به تنش آفرینی‌های جنکی و سیاست‌های جنگ‌افروزانه حکومت و با شعار علیه بساط دزد سالار حاکم که حکومت که ۴۵ سال است زندگی و معیشت آنها را به یغما برده است صدای اعتراض خود را بلند کردند.

در کرمانشاه یکی از بازنشستگان پیرامون "وعده‌های طلایی" در مقطع انتخابات مسئولین و شکاف طبقاتی عمیق‌تر به دنبال برنامه‌های تبعیض‌آمیز سخنرانی کرد و سخنان او با استقبال تجمع‌کنندگان روبرو شد. بازنشستگان با شعارهای "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، "اختلاس نجومی، فلاکت عمومی" بساط دزدسالار حاکم را به چالش کشیده و با فریاد "درد ما درد شماست مردم بما ملحق شوید" همه مردم را به اعتراض فرامی‌خواندند. دیگر شعارهای اعتراضی این بازنشستگان عبارت بودند از: "دلار شصت و پنجه، بازنشسته در رنجه"، "دلار شصت و پنجه، آقازاده رو گنجه"، "رنج ما رنج ما، غارت دسترنج ما"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "اسماعیل گرامی، آزاد باید گردد"، "رسول بدایق آزاد باید گردد"، و اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد".

بازنشستگان در اهواز با شعار "درمان رایگان حق مسلم ماست" و با فریاد "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع بنری با نوشته "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" قابل توجه بود.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز و بازنشستگان زغال‌سنگ در کرمان با برپایی تجمع پیگیر مطالباتشان شدند. این بازنشستگان با شعار "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت" صدای اعتراض خود را علیه دزدی‌ها و اختلاس‌های حاکمین بلند کردند و با فریاد "فولادی داد بزن/ حق تو فریاد بزن" بر پیگیری اعتراضاتشان تأکید نمودند.

اجرای کامل همسان‌سازی و افزایش حقوقها به بالای نرخ سبد معیشتی که امروز از ۴۵ میلیون صحبت می‌شود و درمان رایگان و پایان دادن به دزدی‌ها و اختلاس‌ها و سرکوبگری‌ها و جنگ‌افروزی‌های حکومت خواست‌های مشترک همه بازنشستگان است. در رابطه با همین مطالبات برای فردا ۲۸ آبان بازنشستگان کشوری در تهران به تجمع مقابل سازمان

حکومت اسلامی سرنگون باید گردد

حزب کمونیست کارگری ایران ۱ آبان ۱۴۰۳، ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴

تجمعات کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه‌های پارس جنوبی

بنا بر گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی (ارکان ثالث) امروز سه‌شنبه ۸ آبان سیزدهمین هفته از سه‌شنبه‌های اعتراضی کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری در پالایشگاه‌های سوم، پنجم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی برگزار شد.

این کارگران در سه‌شنبه گذشته یکم آبان‌ماه نیز در اعتراضات گسترده کارگران رسمی برای پیگیری مطالباتشان همراه بودند و ما شاهد یک روز درخشان از اعتراض در صنعت نفت این مرکز کلیدی کارگری بودیم. مطالبات فوری کارگران ارکان ثالث عبارت‌اند از: حق تشکل، تجمع و اعتراض، حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، بازگشت به کار فوری و بی‌قیدوشرط همه کارگران اخراجی و پایان دادن به برخورد امنیتی با کارگران معترض، عمل به توافقات قبلی علی‌الخصوص موضوع مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به‌صورت یک‌جانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع گاز تغییراتی در آن صورت گرفته است، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و هم‌تراز با کارگران رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و ایجاد امنیت شغلی برای آنان، و اجرای بدون تبعیض تردد ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

حزب کمونیست کارگری حمایت خود را از اعتراضات بخش‌های مختلف کارگران در صنعت نفت اعلام کرده و بر همبستگی گسترده کارگری با این کارگران تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۸ آبان ۱۴۰۳، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان کشوری در همدان و یزد و اخباری دیگر

امروز هشتم آبان‌ماه بازنشستگان کشوری در همدان و یزد مقابل صندوق بازنشستگی کشوری دست به تجمع زدند. اعتراض بازنشستگان به بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود، به فقر و گرانی و چپاولگری‌های حاکم و بساط سرکوب حکومت است. بازنشستگان و بخش‌های مختلف آن با شعار "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه بساط جنگ افروزی‌های حکومت را به چالش گرفته و به طور واقعی تداوم انقلاب را فریاد می‌زنند.

خبر دیگر در این روز احضار کوکب بداتی پگاه، علی کروشات و صادق چهارزی با اتهاماتی چون «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «تشکیل گروه» و «اخلال در نظم عمومی» برای ۱۶ آبان‌ماه به شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران این احضارها را نقض آشکار حقوق اساسی شهروندان اعلام کرده و خواستار پایان دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه فعالان صنفی و توقف سرکوب صدای معلمان و کارگران شده است. این شورا در بیانیه اعتراضی خود می‌نویسد: "اتهاماتی مانند «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «اخلال در نظم عمومی» که معمولاً به فعالان صنفی نسبت داده می‌شود، تلاشی برای سرکوب صدایی حق طلبانه و قانونی این فعالان است که تنها خواستار بهبود شرایط معیشتی و آموزشی جامعه هستند."

احضارها و امنیتی کردن مبارزات یک موضوع مهم اعتراضات معلمان است. معلمان بر پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، بسته شدن پرونده‌های امنیتی و آزادی فوری همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی

از جمله رفع مشکلات آب آشامیدنی، گاز و راه اصلی شهرک، تجمع کردند. حرکت اعتراضی دیگر در این روز تجمع جمعی از نیروهای خدمات شهری در ایلام در برابر ساختمان مرکزی شهرداری در اعتراض به وضع بد معیشتی و تعویق پرداخت حقوق‌هایشان بود.

اعتراض بر سر معیشت یک محور مهم اعتراضات در سطح جامعه است. یک نیروی مهم این اعتراضات دانشجویان هستند که از آغاز سال جاری اعتراضات گسترده‌ای علیه چندبرابر شدن شهریه‌ها و سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت داشته‌اند. از جمله روز گذشته ششم آبان‌ماه جمعی از دانشجویان دانشکده علوم دانشگاه تهران در ادامه اعتراضات گسترده دانشجویی در روزهای اخیر و در اعتراض به تجاری‌سازی فضاها و دانشگاهی، تفکیک جنسیتی، و نمایش‌های سلبریتی محور با هدف سیاست‌زدایی از دانشگاه تجمع کردند و با فریاد شعار "زن زندگی آزادی"، "نه پادگان، نه بنگاه، درود بر دانشگاه" صدای اعتراضشان را بلند کردند. این تجمع با قرائت بیانیه‌ای به پایان رسید که در آن به اعتراض دانشجویان در زمینه‌های مختلف اجتماعی و دانشگاهی و سیاسی از جمله حقوق زنان و دانشجویان و کارگران اشاره شده بود.

در روز گذشته همچنین بازنشستگان فرهنگی سال ۱۴۰۰ بهبهان جلوی دفتر نماینده مجلس اسلامی در این شهر تجمع کردند و به حقوق‌های نازل و اختلاس‌ها اعتراض کردند و پیگیر مطالبات معیشتی خود شدند. بازنشستگان فرهنگی در این رابطه قبلاً نیز در تهران و شیراز تجمع داشتند و اعتراضاتشان ادامه دارد.

تجمع اعتراضی دیگر در روز گذشته از سوی معلولان در اعتراض به وضع اسفناک معیشتی و درمانی‌شان در تهران ابتدا در مقابل مجلس اسلامی و سپس مقابل سازمان برنامه‌بودجه برگزار شد. در این روز زیر فشار اعتراضی معلولان یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس در تجمع آنها حضور پیدا کرد. به دنبال آن معلولان تجمع خود را به مقابل سازمان برنامه‌بودجه ادامه دادند. پرداخت معوقه شش‌ماهه حق پرستاری و اجرای مصوبه کمک‌هزینه معیشتی موضوع مصوبه بند ب تبصره ۱۵ از جمله مطالبات فوری آنهاست.

حزب کمونیست کارگری ایران ۷ آبان ۱۴۰۳، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی پرستاران در شوشتر و معلولان در تهران

معیشت شایسته حق مسلم ماست

امروز هشتم آبان‌ماه بار دیگر پرستاران و کادر درمان شوشتر برای چندمین بار دست به تجمع زدند. کادر درمان شوشتر هجده ماه است که کارانه و حق اضافه‌کاری خود را دریافت نکرده‌اند و پیش‌تر نیز مقابل فرمانداری تجمع اعتراضی داشته‌اند. تجمع قبلی آنها در پنجم آبان‌ماه برگزار شد. پرداخت حق اضافه‌کاری، کارانه، تعرفه، حق کرونا، حق لباس و... از جمله مطالبات فوری آنها بود.

کمبود شدید نیرو در بیمارستان‌های اهواز و شهرستان‌های دیگر خوزستان با توجه به فشار کاری بالا، عدم اجرای کامل فوق‌العاده خاص، پایین بودن حقوقها علی‌رغم رشد هر روزه نرخ تورم از دیگر موضوعات اعتراضی این پرستاران بوده که در اعتراضات مردادماه خود طرح کرده و قرار بوده تا پایان شهریورماه و ماه‌های آینده به آنها پاسخ داده شود. هم اکنون پرستاران با خواسته‌هایی مشابه و در صدر آن اعتراض به اضافه‌کاری‌های اجباری و فشار سنگین کاری در تدارک اعتصابی سراسری برای هفدهم آبان‌ماه هستند.

در این روز همچنین معلولان در اعتراض به لایحه بودجه ۱۴۰۴ و عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان و اختصاص بودجه ضروری برای تأمین همه نیازهای زیستی‌شان بار دیگر مقابل مجلس تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی معلولان شعار می‌دادند: "معیشت شایسته، حق مسلم ماست!"

تأکید دارند. حزب کمونیست کارگری همراه با معلمان بر پایان دادن به توقف امنیتی کردن مبارزات و آزادی فوری معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ آبان ۱۴۰۳، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان ۱۴۰۰ در چندین شهر و اخباری دیگر

امروز دهم آبان ماه بازنشستگان ۱۴۰۰ برای پیگیری خواست‌هایشان مقابل دفتر نمایندگان مجلس در شهرهای تبریز، خرم‌آباد مشهد، کرمان، گیلان، شیراز و تاکستان تجمع کردند. بازنشستگان ۱۴۰۰ بر سر خواست‌هایشان تا کنون تجمعات متعددی داشته‌اند یک نمونه آن تجمع آنان در یکم آبان ماه مقابل مجلس اسلامی بود. در آنجا بازنشستگان با شعارهایی چون "با اهل قلم هر که در افتاد ورافتاد"، "ما منتظر حکمون هستیم، هیچ جا نمی‌رویم همین جا هستیم"، و "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد" فریاد اعتراضشان را بلند کردند.

بازنشستگان ۱۴۰۰ به میزان مستمری و احکام خود معترض هستند و خواستار صدور احکام اصلی رتبه‌بندی طبق وعده‌های داده شده هستند. اعتراض این بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و وخیم‌تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و محرومیت از بیمه درمان و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان است. اعتراض آنها به تعرضات معیشتی از جمله عدم اجرای صحیح دستورالعمل متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و عدم اعمال ۹۰ درصد از فوق‌العاده رتبه‌بندی در حقوق بازنشستگی است که انجام آنها می‌تواند بهبودی در وضع حقوقی آنها ایجاد کند. بازنشستگان ۱۴۰۰ چهار سال است که پیگیر مطالبات خود هستند و جوابی نگرفته‌اند.

در این روز همچنین اعتصاب کارگران شرکت پلی نار تبریز تولیدکننده گرانول از واحدهای PP به‌خاطر پایین بودن حقوق و وعده‌های توخالی مدیران، وارد سومین روز خود شد. کارگران شرکت آوای جهان بین نیز در اعتراض به اخراج کارگران از پروژه آب شیرین کن گوردیم کنارک، دست به تجمع اعتراضی زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ آبان ۱۴۰۳، ۳۱ اکتبر ۲۰۲۴

سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی را ببندید!

به دنبال قتل جنایت‌کارانه زندانی سیاسی، جمشید شارمهد، توسط جمهوری اسلامی، دولت آلمان همه کنسولگری‌های رژیم اسلامی در این کشور یعنی در سه شهر فرانکفورت، هامبورگ و مونیخ را بست. اقدامی اعتراضی که در واکنش به قتل جمشید شارمهد با تابعیت آلمان و همچنین در اعتراض به رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی با مردم و اعدام‌های پرچمانه در ایران اعلام شده است. اگر چه این اقدام می‌توانست به‌عنوان عملی پیشگیرانه قبل از اعدام جمشید شارمهد صورت بگیرد اما در حال می‌توان آن را اقدامی مثبت علیه حکومت آدمکشان اسلامی ارزیابی کرد. قدم بعدی در این جهت از نظر ما باید بستن سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و قطع روابط دیپلماتیک با این رژیم ضدبشری باشد.

جمشید شارمهد یک فعال سیاسی ساکن آمریکا بود و تابعیت آلمان را داشت و حدود چهار سال پیش توسط جمهوری اسلامی از کشور دبی ربوده شد و به‌عنوان گروگان زیر شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفت و متأسفانه بعد از حمله نظامی اسرائیل به جمهوری اسلامی از سر درماندگی رژیم در واکنش به این حملات، قربانی و اعدام شد.

جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر حداقل در سه مورد مخالفین سیاسی خود را از کشورهای همسایه ایران ربوده است و پس از به گروگان گرفتن آنها هر سه نفر را اعدام کرده است. علاوه بر جمشید شارمهد، حبیب فرج‌الله چعب (حبیب اسبوند) و روح‌الله زم از جمله فعالین سیاسی دیگر بوده‌اند که از ترکیه و عراق ربوده شدند، به ایران برده شدند و بعد از مدتی حبس اعدام شدند. ربودن فعالین سیاسی توسط جمهوری اسلامی و قتل آنها بخش دیگری از جنایات حکومت اسلامی در قبال مردم معترض است و باید وسیعاً محکوم شود.

علاوه بر این جمهوری اسلامی با گروگان‌گیری شهروندان دو تابعیتی و خارجی همواره سعی کرده است به باج‌گیری از دول غربی بپردازد. یک نمونه آن بازداشت دو فعال معلم فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر از اعضای اتحادیه بین‌المللی معلمان است که در اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شده و حکومت اسلامی همراه با آن شماری از معلمان معترض و فعالین کارگری و اجتماعی را بازداشت کرد و برای آنها پرونده‌سازی‌ای با اتهام جاسوسی تشکیل داد. سناریویی که شکست خورد. اما همچنان دو فعال فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر همچون گروگانی در زندان جمهوری اسلامی به سر می‌برند. رسول بدایق از معلمان زندانی در این پرونده نیز همچنان در بازداشت است. ناهید تقوی زندانی ایرانی - آلمانی نمونه دیگری است که به ایزاری برای چانه‌زنی و معامله جمهوری اسلامی با دولت‌های غربی بدل شده است. واکنش دولت‌های غربی به چنین سیاستی متأسفانه گرنش در مقابل عملیات تروریستی (آدم‌ریایی و گروگان‌گیری) جمهوری اسلامی بوده است. گرنشی که من جمله منجر به آزادی جنایت‌کاران و شکنجه‌گرانی چون حمید نوری (از عوامل کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷) و اسدالله اسدی (طراح عملیات تروریستی در اروپا علیه اپوزیسیون) علی‌رغم محاکمه و زندانی بودنشان در سوئد و بلژیک و برگرداندن آنها به ایران شده است. هم اکنون احمدرضا جلالی با تابعیت سوئدی و با اتهامات سنگینی نظیر جاسوسی برای اسرائیل در معرض خطر جدی اعدام قرار دارد.

همچنان که ما بارها اعلام کرده‌ایم راه مقابله با سرکوب و سیاست اعدام و آدم‌ریایی و گروگان‌گیری این رژیم تروریستی نه سازش و ممانشات با حکومت اسلامی و باج دادن به آن بلکه اقداماتی است که به انزوای کامل جمهوری اسلامی بینجامد. فراخواندن سفرای دول غربی و اتحادیه اروپا از تهران و بستن تمام مراکز دیپلماتیک و فرهنگی جمهوری اسلامی در خارج کشور نظیر کنسولگری‌ها، سفارتخانه‌ها و مراکز اسلامی، اقداماتی هستند که به شدت جمهوری اسلامی را تحت فشار خواهد گذاشت. ما شاهد بوده‌ایم که سیاست سازش و ممانشات با جمهوری اسلامی تنها به اعتبار بخشیدن به این رژیم و تداوم جنایاتش علیه مردم ایران و جهان منجر شده است.

ما از بستن تمام کنسولگری جمهوری اسلامی در آلمان استقبال می‌کنیم و خواستار بستن شدن سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در همه کشورها هستیم. ما از دولت‌های دنیا از جمله اتحادیه اروپا می‌خواهیم که رسماً سپاه پاسداران را در لیست نیروهای تروریستی قرار دهند. در عین حال ما از دولت سوئد اکیداً می‌خواهیم که برای نجات جان احمدرضا جلالی، تا دیر نشده است به اقدامات قاطع‌تری نظیر فراخواندن سفیر خود را از تهران، کاهش و یا قطع کامل روابط دیپلماتیک دست بزنند. تداوم سیاست سازش و ممانشات با حکومت اسلامی معنای دیگری جز همدستی با این رژیم در تداوم اقدامات وحشیانه آن علیه مردم ایران و شهروندان جهان ندارد.

۱۱ آبان ۱۴۰۳ - ۱ نوامبر ۲۰۲۴

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

به مناسبت دومین سالگرد جانباختن سارینا ساعدی



اسلامی، به پنج سال زندان محکوم شد و نزدیک به سه سال است که در زندان اوین به سر می برد. او بازنشسته‌ای با ۶۸ سال سن است و از بیماری‌هایی همچون پوکی شدید استخوان، بیماری قند و فشارخون بالا و نارسایی اعضا داخلی رنج می برد و اینک بیماری مهلک و به کما رفتن تنها فرزندش و بستری شدن او در بیمارستان موجب فشار سخت و شکنجه آور روحی بر او شده است.

بنا بر گزارشات فرزند چهار ساله نسرين که پدرش را نیز از دست داده است، به دنبال زندانی شدن مادرش شرایط روحی بدی پیدا کرده و با توجه به ابتلا به بیماری درجه یک قند نیاز حیاتی به مراقبت دارد. حال علی‌رغم اینکه نسرين جوادی نیمی از دوران ۵ سال محکومیت خود را گذرانده است و فرزندش نیز در وضعیت وخیم جسمی در بیمارستان است، مسئولین جنایت کار قضایی و امنیتی از دادن حتی آزادی مشروط به وی خودداری کرده و بهرغم گذشت ده روز از بستری شدن تنها فرزندش در آی‌سی‌یو و سپس بخش مراقبتی بیمارستان، حتی از دادن مرخصی به وی خودداری می کنند.

تنها جرم نسرين به‌عنوان یک کارگر بازنشسته، فعالیت حق طلبانه در دفاع از حقوق بازنشستگان و شرکت در تجمع اعتراضی آنان برای خواست‌های معیشتی‌شان مقابل مجلس است.

در قسمتی از طومار برای آزادی فوری نسرين جوادی چنین آمده است: "ما امضاکنندگان این بیانیه با تأکید بر آزادی فوری "نسرين جوادی" و پایان دادن به نگرانی طاقت‌فرسا و درد و رنج یک مادر، بدین‌وسیله از تمامی مردم آزاده ایران و فعالان و مجامع حقوق بشری و عفو بین‌الملل تقاضا داریم برای آزادی فوری نسرين جوادی هر گونه اقدام لازم را به عمل آورده و در اقدامی متحدانه خواهان آزادی همه فعالین صنفی و سیاسی در بند بشوند. بدیهی است اعلام داریم، تبعات بروز هر اتفاقی برای زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان، مستقیماً متوجه حکومت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن است."

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از نسرين جوادی و طومار برای آزادی وی اعلام کرده و تلاش می کند صدای او را در سطح جهانی بازتاب دهد و بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط نسرين جوادی تأکید دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی Free Them Now

Shahla.daneshfar2@gmail.com

۹ آبان ۱۴۰۳، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۴

FREE THEM NOW
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN




نسرين جوادی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

روز دوشنبه ۷ آبان ۱۴۰۳ مراسم دومین سالگرد سارینا ساعدی در آرامستان "بهشت محمدی" شهر سنندج، بر سر مزار وی برگزار می شود.

سارینا در سن ۱۵ سالگی و در جریان تجمعات اعتراضی انقلاب زن زندگی آزادی، ۴ آبان ۱۴۰۱ در محله "نایسر" شهر سنندج زیر ضربات باتوم مزدوران رژیم کودک کش اسلامی دچار خونریزی مغزی شد و یک روز بعد در ۵ آبان ۱۴۰۱ جان باخت.

مردم مبارز و آزاده سنندج!

همچنان که بارها و بارها نشان داده‌اید با شرکت وسیع و گسترده خود در مراسم گرامیداشت دومین سالگرد جانباختن سارینا ساعدی در کنار خانواده او بایستیم و اعلام کنیم که راه عزیزان جانباخته انقلاب زن زندگی آزادی همچنان پویا و زنده ادامه دارد.

آبان، آخر و ماه‌های بعد از آن نیز عزیزان زیادی توسط نیروهای سرکوب حکومت آدمکش اسلامی جان باختند. جا دارد در مراسم‌های گرامیداشت تمامی عزیزان جانباخته انقلاب زن زندگی آزادی صدای دادخواهی خانواده‌ها و صدای حق طلبی جنبش سرنگونی طلبانه مردم باشیم و این صدا را رساتر از پیش فریاد برزنیم. گرمی داشت یاد جانباختگان و همراهی با خانواده‌های این عزیزان بخشی از تلاش ما برای تحکیم همبستگی و نشان دادن عزم و اراده ما برای سرنگونی حکومت منحوس اسلامی است.

گرمی باد یاد سارینا ساعدی

گرمی باد یاد جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی

سرنگون باد حکومت جنایت کار اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۹ آبان ۱۴۰۳، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۴

از کارزار آزادی کارگر زندانی نسرين جوادی وسیعاً

حمایت کنید!

نسرين جوادی را آزاد کنید

۳۱۸ نفر از فعالان کارگری، زنان و فعالین اجتماعی و زندانیان سیاسی، طی طوماری اعتراضی خواهان آزادی "نسرين جوادی خضری" فعال کارگری بازنشسته زندانی در زندان اوین شدند.

نسرين جوادی کارگر بازنشسته و فعال صنفی از تیرماه سال ۱۴۰۱ به دلیل شرکت در تجمع کارگران شاغل و بازنشسته در مقابل مجلس شورای

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۱-۴ آبان ۱۴۰۳

جمعه ۱۱ آبان

اکنون پرستاران با خواسته‌هایی مشابه و در صدر آن اعتراض به اضافه‌کاری‌های اجباری و فشار سنگین کاری در تدارک اعتصابات سراسری برای هفدهم آبان‌ماه هستند.

- کوکب بداتی پگاه، علی کروشوات و صادق چهرازی با اتهاماتی چون «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «تشکیل گروه» و «اخلال در نظم عمومی» برای ۱۶ آبان‌ماه به شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز احضار شده‌اند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران این احضارها را نقض آشکار حقوق اساسی شهروندان اعلام کرده و خواستار پایان‌دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه فعالان صنفی و توقف سرکوب صدای معلمان و کارگران شده است. این شورا در بیانیه اعتراضی خود می‌نویسد: "اتهاماتی مانند "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" و "اخلال در نظم عمومی" که معمولاً به فعالان صنفی نسبت داده می‌شود، تلاشی برای سرکوب صدای حق‌طلبانه و قانونی این فعالان است که تنها خواستار بهبود شرایط معیشتی و آموزشی جامعه هستند."

احضارها و امنیتی کردن مبارزات یک کارزار مهم مبارزاتی معلمان است. معلمان بر پایان‌دادن به امنیتی کردن مبارزات، بسته‌شدن پرونده‌های امنیتی و آزادی فوری همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی تأکید دارند. به این کارزار وسیعاً پیوندیم.

- محمد طهماسبی، شهروند بازداشتی اهل ایذه، ۷۷ روز است که با حال نامساعد جسمانی به‌صورت بلا تکلیف در زندان شیپان اهواز به سر می‌برد. او از بیماری‌های چسبندگی روده، تنگی نفس و درد در ناحیه قفسه سینه رنج می‌برد و تاکنون آزادی موقت وی با قرار تأمین کیفری میسر نشده است.

- حمیدرضا شیرزادی، زندانی سیاسی، که دوران محکومیت خود را در زندان رامهرمز سپری می‌کند، با قرار کفالت به مدت سه روز از زندان رامهرمز به مرخصی اعزام شد.

دوشنبه ۷ آبان

- بازنشستگان مخابرات در تداوم اعتراضات خود به فقر و بی‌تامینی و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان، در شهرهای مختلفی تجمع اعتراضی بر پا کردند. این تجمعات در این روز در شهرهای تبریز، تهران، ایلام، شیراز، بیجار، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، همدان، مریان، اردبیل، زنجان و رشت برگزار شدند.

- باکمال تأسف محمدجواد احمدیان، ۳۴ ساله و اهل پلدختر در ارتباط با مواد مخدر در زندان شیپان اهواز اعدام شد. به کارزار جهانی نه به اعدامی پیوندیم و از سه‌شنبه‌های نه به اعدام و اعتراضات خانواده‌های محکوم‌به‌اعدام حمایت و پشتیبانی کنیم. اعدام‌ها باید فوراً متوقف، احکام اعدام لغو و به مجازات اعدام پایان داده شود.

یکشنبه ۶ آبان

بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در شهرهای کرمانشاه، اهواز، اصفهان و کرمان برای پیگیری مطالباتشان تجمعات اعتراضی برپا داشتند.

حکومت اسلامی در خوزستان نیز هر روز دست به جنایت و اعدام می‌زند. از جمله در این روز متأسفانه خالد چناری و عبدالنبی کلانی به اتهام "قتل عمد" در زندان دزفول اعدام شدند. این دو زندانی از سه سال پیش در یک پرونده مشترک به اتهام قتل بازداشت و برایشان حکم قصاص صادر شده بود. لغو مجازات اعدام و مجازات‌های ارتجاعی اسلامی و قصاص شکل شنیع آن خواست همه مردم است.

- وضعیت تأسف بار فاضلاب در خیابان‌های شهر اهواز از جمله در خیابان چاووشی یکی از معضلات قدیمی مردم است. فرسودگی این فاضلاب‌ها باعث شده که با هر بارندگی، آب به خیابان‌ها جاری و سبب آلودگی شهر شود. بعلاوه نشت فاضلاب‌ها آلودگی آب آشامیدنی را هم در پی دارد و در این رابطه مردم بارها اعتراض کرده‌اند.

پنجشنبه ۱۰ آبان

- دختران دانشجوی دانشگاه چمران اهواز در اعتراض به لغو خوابگاه در دانشگاه تجمع کردند.

چهارشنبه ۹ آبان

به دنبال تجمع اعتراضی کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر، در روزهای هفتم و هشتم آبان‌ماه، و زیر فشار اعتراضات کارگران جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض کارگران از سوی مقامات مسئول برگزار شد. هنوز خبری از نتیجه این جلسه گزارش نشده است. در این جلسه نمایندگانی از قوه قضائیه، اداره کار، مدیرعامل شرکت و تعدادی از نمایندگان کارگران شرکت داشتند.

اعتراض کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر، به سطح نازل حقوقها و وضعیت قراردادهای کاری و عدم پرداخت برخی مطالبات شغلی‌شان است. اجرای تبدیل وضعیت شغلی مطابق با شرکت‌های هم‌جوار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، پرداخت کسورات پاداش‌های بهرهوری به همراه طلب بابت اضافه‌کاری‌های سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ از جمله مطالبات اعلام شده این کارگران است. در رابطه با همین موضوعات این کارگران قبلاً هم تجمعات اعتراضی ای داشتند و در تاریخ چهارم مهرماه نیز جلسه‌ای جهت بررسی مشکلات کارگران برگزار شد. اما مدیریت علی‌رغم امضای صورت‌جلسه، به تعهدات مندرج در مذاکرات انجام گرفته عمل نکرد و در نتیجه کارگران در این هفته دوباره دست به تجمع زدند. کارگران اعلام کرده‌اند که اگر پاسخ نگیرند به اعتراضشان ادامه می‌دهند.

- طی روزهای گذشته بیش از ۴۰۰ دانشجوی دختر در دانشگاه چمران لغو خوابگاه شدند. از آغاز سال جاری اعتراضات بسیاری از سوی دانشجویان به‌خاطر مشکلاتی چون افزایش چندبرابر شهریه‌ها و محرومیت از خوابگاه و امکانات آموزشی و فضای یادگانی دانشگاه‌ها و تفکیک جنسیتی به پا شده است. گفته می‌شود برج‌های لاکچری برای یک‌درصدی‌ها سر به فلک کشیده می‌شود و در کنارش دانشجویان را به خیابان و بی‌غوله‌ها حواله می‌دهند!

سه‌شنبه ۸ آبان

- بار دیگر پرستاران و کادر درمان شوشتر برای چندمین بار دست به تجمع زدند. کادر درمان شوشتر هجده ماه است که کارانه و حق اضافه‌کاری خود را دریافت نکرده‌اند و بیش‌تر نیز مقابل فرمانداری تجمع اعتراضی داشته‌اند. تجمع قبلی آنها در پنجم آبان‌ماه برگزار شد. پرداخت حق اضافه‌کاری، کارانه، تعرفه، حق کرونا، حق لباس و... از جمله مطالبات فوری آنها بود.

. کمبود شدید نیرو در بیمارستان‌های اهواز و شهرستان‌های دیگر خوزستان باتوجه‌به فشار کاری بالا، عدم اجرای کامل فوق‌العاده خاص، پایین بودن حقوقها علی‌رغم رشد هر روزه نرخ تورم از دیگر موضوعات اعتراضی این پرستاران بوده که در اعتراضات مردامه خود طرح کرده و قرار بوده تا پایان شهریورماه و ماه‌های آینده به آنها پاسخ داده شود. هم

شنبه ۵ آبان

هم‌پرونده‌های شما (علی مجدم، معین خنفری، محمدرضا مقدم و سید عدنان موسوی) را برای اجرای حکم به زندان سپیدار منتقل کردیم و نوبت شما نیز خواهد رسید.

این زندانیان در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ دستگیر شده و توسط دادگاه اهواز و به اتهام "مشارکت در قتل دو بسیجی، یک پرسنل نیروی انتظامی و یک سرباز" به اعدام محکوم شده‌اند. انتقال چهار زندانی شیبان به سلول انفرادی زندان سپیدار بازتاب اعتراضی بسیاری داشته و کارزاری برای نجات جان آنها جریان دارد. بنا بر گزارشات، در پی حمله مسلحانه که در جریان مراسم رژه نظامی نیروهای مسلح ایران در اهواز رخ داد، دستکم ده تن از شهروندان خوزستانی در روزهای ۱۳ و ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ از شهرهای شادگان، کوت سیدصالح و قلعه کنعان کوت عبدالله توسط اداره اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۱ آبان ۱۴۰۳، ۱ نوامبر ۲۰۲۴

- پرستاران و کارکنان درمانی در شوشتر در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت عادلانهٔ یارانه، و اضافه کاری و سایر مطالباتشان در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

- حکم اعدام برای عباس دریس از بازماندگان آبان ۹۸ و شاهد جنایت نیزارهای ماهشهر، پس از ۵ سال بازداشت و بازجویی و شکنجه، نهایتاً در بهمن ۱۴۰۲ به اتهام واهی «محرابه و قتل» تأیید شد و حالا جان او هر لحظه در خطر اعدام توسط جمهوری اسلامی قرار دارد. به گفته نزدیکان عباس دریس ۳ فرزند وی در شرایط نا به سامان معیشتی و روانی به سر می‌برند. خود وی نیز در دوران بازجویی علاوه بر شکنجه، بارها به اعدام برادر و برادرزاده ۱۶ ساله‌اش تهدید شده است.

جمعه ۴ آبان

- خسرو طرفی، رئیس زندان مرکزی (شیبان) اهواز پس از احضار «حبیب دریس» و «سید سالم البوشوکه»، دو زندانی سیاسی، خطاب به آنها از تأیید حکم اعدامشان خبر داده و گفته است که "ابتدا چهار



اخبار خوزستان

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید